

اشاره:

مسجد سهله پایگاه حضرت بقية الله (عج)

مسجد سهله، در اطراف کوفه، در دو کیلومتری شمال غربی مسجد اعظم کوفه، کهن ترین مکان منتسب به حضرت بقية الله (عج) است.

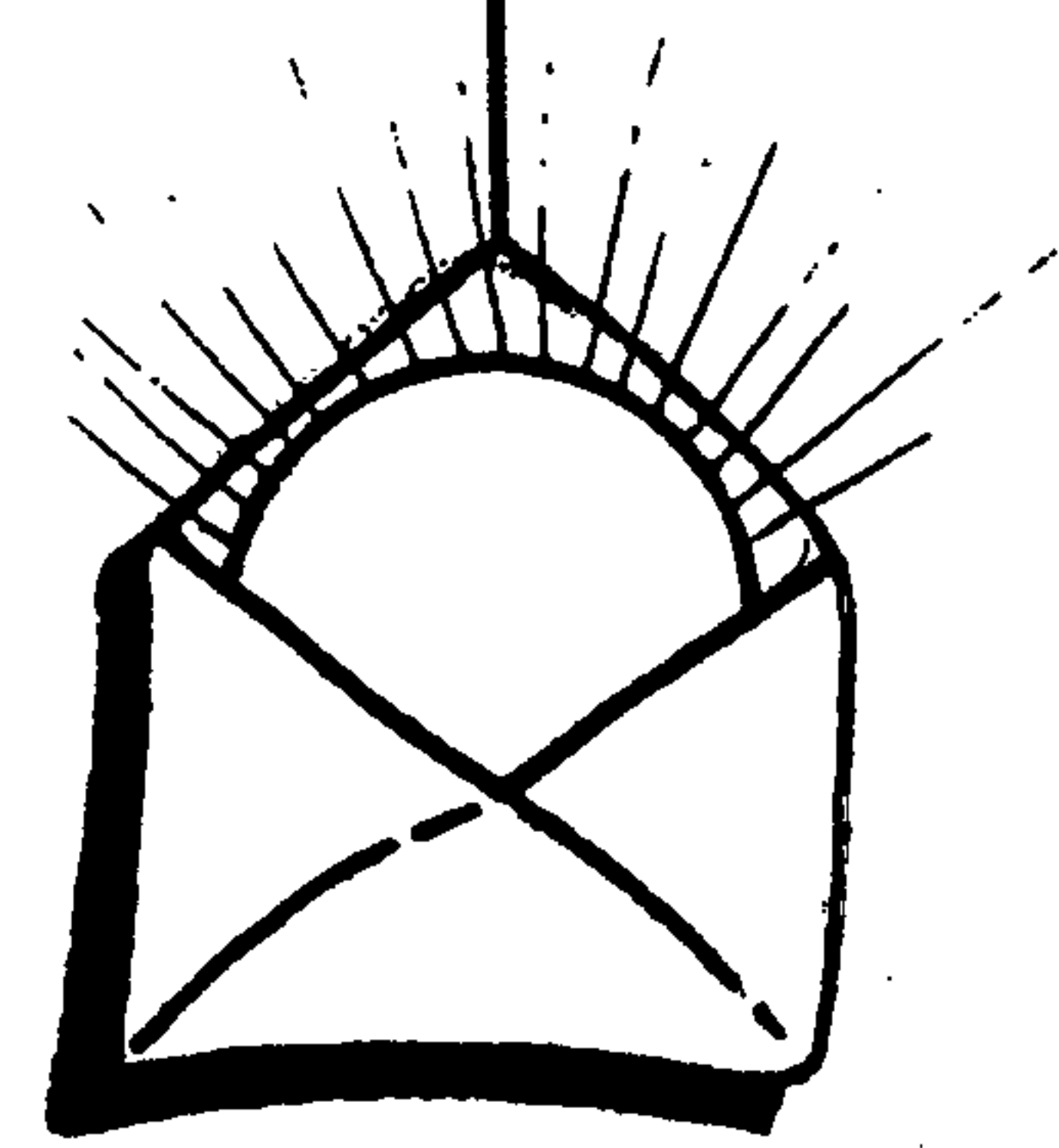
در احادیث ماثور از امامان نور، مسجد سهله، به عنوان اقامت گاه شخصی حضرت ولی عصر (علیه السلام) در عصر ظهور معرفی شده است.

در این نوشتار، به استناد بیست حدیث از پیشوایان معصوم (علیهم السلام) جایگاه مسجد سهله از دید روایات بررسی شده و ویژگی های آن مکان مقدس شمارش گردیده، و به چهل مورد از نیک بختان تاریخ که در این پایگاه ملک پاسبان به حضرت دوست راه یافته اند، اشاره شده است.

اماکن زیارتی منتسب به امام زمان (عج) در ایران و جهان (۲)

(مسجد سهله)

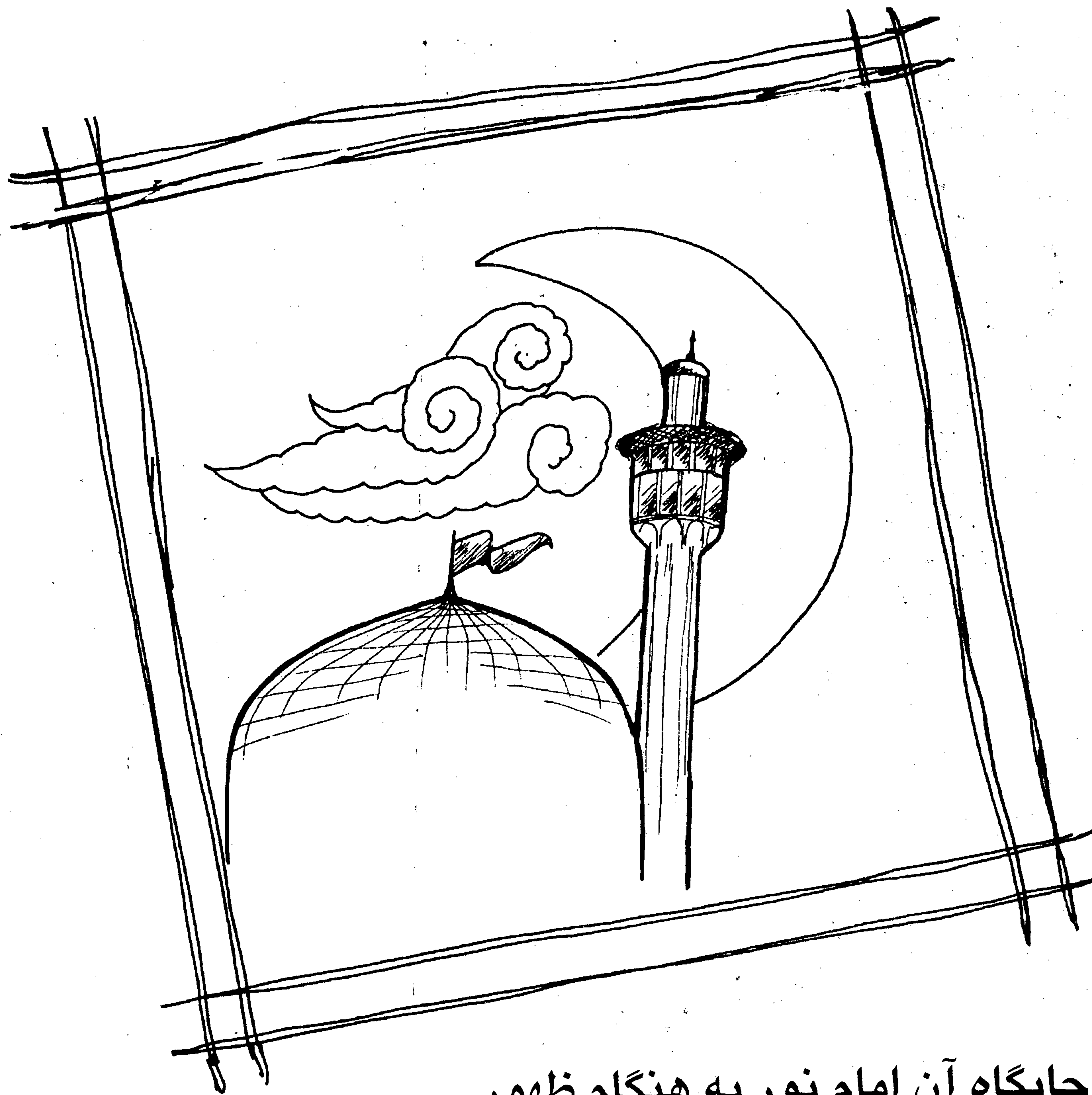
علی اکبر مهدی پور



انظر

۳۳۰

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱



جایگاه آن امام نور به هنگام ظهور

در احادیث فراوانی، به صراحت، اعلام شده که اقامت گاه شخصی حضرت بقیة الله، ارواحنفاذاه، در دوران ظهور مسجد مقدس سهله است. اینک شماری از این روایات آورده می شود.

۱. محدثان عالی مقام شیعه، با اسناد معتبر، در مجامع حدیثی خود، از راویان اخبار و ناقلان آثار، روایت کرده اند که روزی در محضر مقدس رییس مذهب، حضرت امام صادق (علیه السلام) از مسجد سهله گفت و شنود شد. فرمودند:

أما انه منزل صاحبنا اذا قام بأهله؛^۱

آن جا اقامت گاه صاحب ما است، هنگامی که با خانواده اش قیام کند.

در برخی از منابع، به جای «قام»، «قدم» تعبیر شده است؛^۲ یعنی، هنگامی که تشریف بیاورد. و در نقل برخی از محدثان، به جای «أما انه»، «مسجد السهله» آمده است؛^۳ یعنی، به جای

ضمیر، اسم صریح آمده است.

۲. بیش از دو قرن، پیش از میلاد مسعود کعبه ی موعود، وجود مقدس امیر مؤمنان (علیه السلام)، به هنگام ترسیم خط سیر حضرت ولی عصر (علیه السلام) در آستانه ی ظهور، می فرماید:

«کأنی به قد عبر من وادی السلام الی مسجد السهله، علی فرس مُحجل^۴ له شِمراخ^۵، یزهو، ویدعو، ویقول فی دعائه: «لا اله الا الله حقاً حقاً...»^۶؛

گویی او را با چشم خود می بینم که از وادی السلام عبور کرده، بر فراز اسبی که سپیدی پاها و پیشانی اش همی در خشد، به سوی مسجد سهله در حرکت است، وزیر لب زمزمه دارد و خدا را این گونه می خواند: «لا اله الا الله حقاً حقاً...».

۳. بیش از یک قرن پیش از ولادت خجسته ی حضرت حجت (علیه السلام)، امام صادق (علیه السلام) خطاب به یار با وفایش ابوبصیر فرمود:

یا ابا محمد! کأنی أری نزول القائم (علیه السلام) فی مسجد السهله بأهله و عیاله؛
ای ابا محمد! گویی فرود آمدن قائم (علیه السلام) را با اهل و عیال اش در مسجد سهله، با چشم خود می بینم.

ابوبصیر عرضه داشت: «آیا محل اقامت دائمی آن حضرت، در مسجد سهله خواهد بود؟».
حضرت فرمود: «آری». سپس فرمود:

مسجد سهله، اقامت گاه حضرت ادریس (علیه السلام) بود.

مسجد سهله، اقامت گاه حضرت ابراهیم خلیل الرحمان (علیه السلام) بود.

خداوند، پیامبری را مبعوث نکرده. جز این که در مسجد سهله نماز گزارده است.

مسجد سهله، پایگاه حضرت خضر (علیه السلام) است.

کسی که در مسجد سهله اقامت کند، همانند کسی است که در خیمه ی رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) اقامت کند.

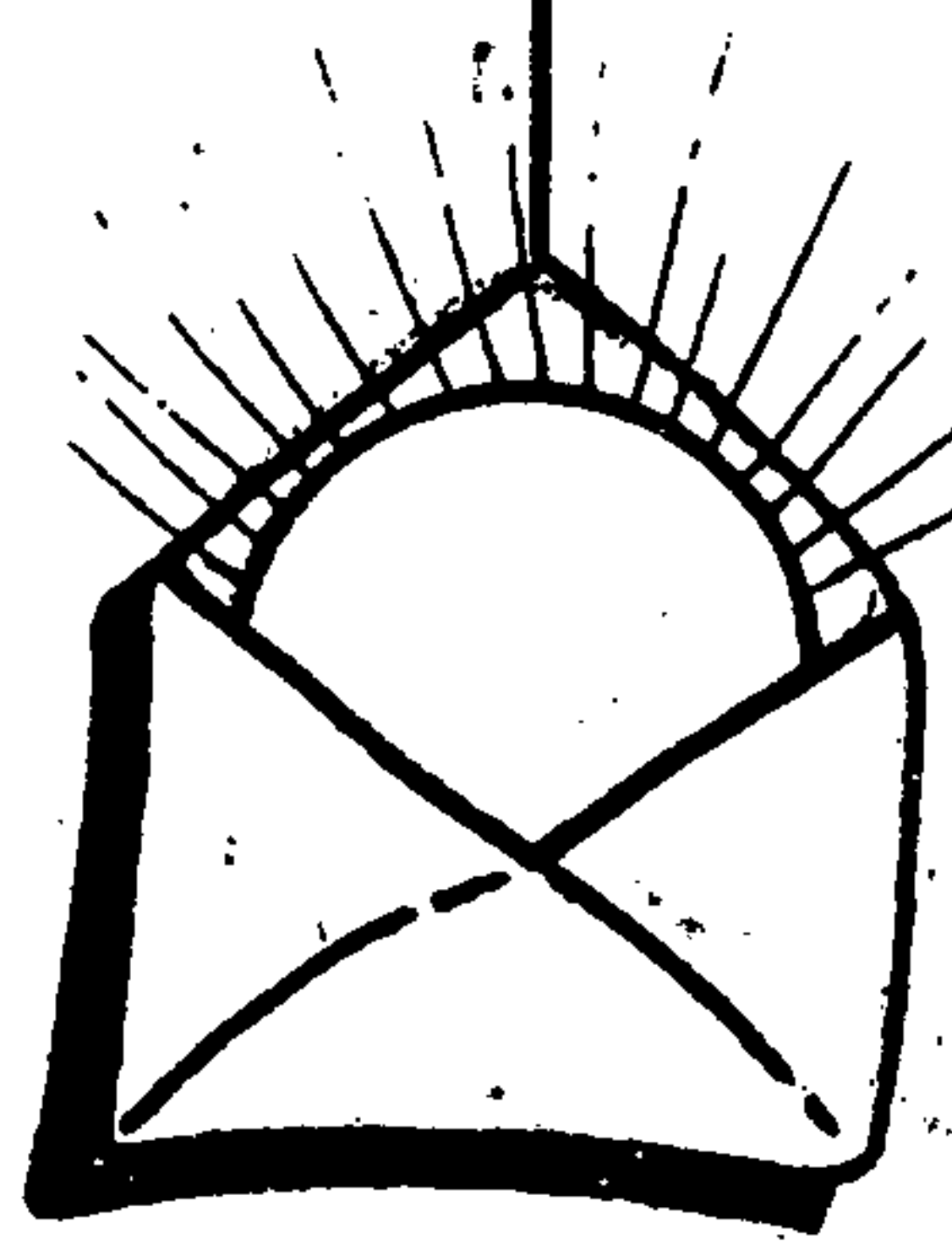
مرد وزن با ایمانی یافت نمی شود، جز این که دل اش به سوی مسجد سهله پر می زند.

در مسجد سهله، تخته سنگی است که تمثال همه ی پیامبران بر آن نقش بسته است.

احدی در مسجد سهله نماز نمی گزارد که بانیّت راستین خدا را بخواند، جز این که خداوند او را با حاجت بر آورده شده از آن جابر می گرداند.

احدی نیست که در مسجد سهله به خدا پناهنده شود، جز این که خداوند او را از آن چه بیم دارد پناه دهد.

ابوبصیر عرض کرد: «فضیلت بسیار بزرگی است!».



انظار

۳۳۱

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «آیا برای ات بیفزایم؟». عرض کرد: «بلی». فرمود:

مسجد سهله، از آن بقعه‌هایی است که خداوند دوست دارد او را در آن جا بخوانند.

شب و روزی نیست که فرشتگان به زیارت مسجد سهله نشتابند و در آن جا به عبادت حق تعالی

نپردازند.

اگر من در آن سامان سکونت داشتم، هیچ نمازی را جز در مسجد سهله نمی خواندم.

ای ابا محمد! اگر مسجد سهله هیچ فضیلتی جز فرود آمدن فرشته‌ها و اقامت پیامبران را نداشت،

همین فضیلت بس بود، در حالی که این همه فضیلت دارد.

آن چه از فضایل مسجد سهله برای تو بازگو نکردم، بیش از فضایی است که برای ات گفتم.

ابوبصیر عرض کرد: «آیا مسجد سهله، اقامت گاه دائمی حضرت قائم (علیه السلام) خواهد

بود؟». فرمود: «آری». ^۷

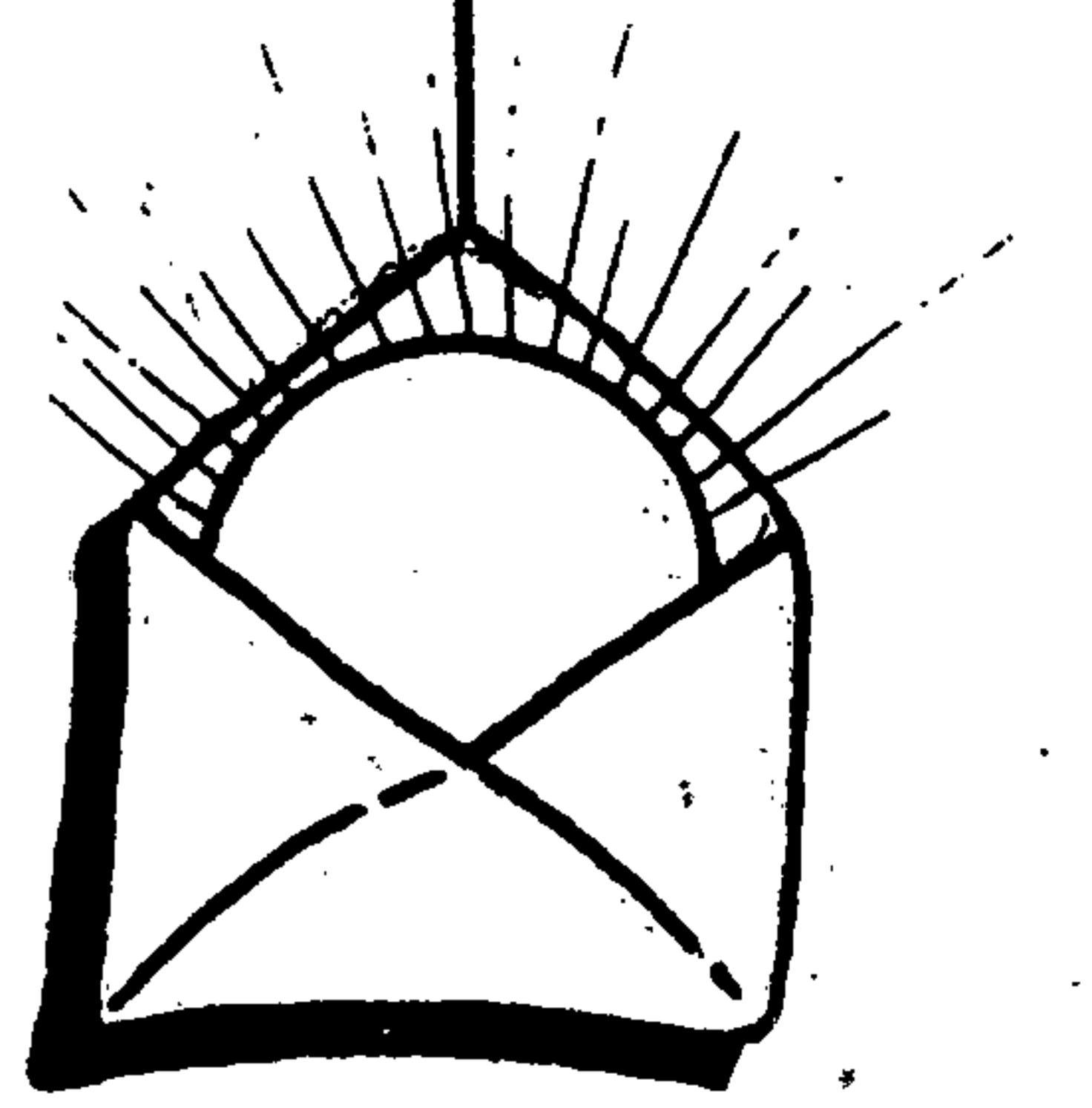
۴. مفضل در ضمن حدیث مفصّلی از محضر امام صادق (علیه السلام) پرسید: «منزل

حضرت مهدی (علیه السلام) و مرکز اجتماع شیعیان کجا خواهد بود؟». امام صادق (علیه السلام)

در پاسخ او فرمود:

دارملکه الکوفة، و مجلس حکمه جامعها، و بیت ماله و مقسم غنائم المسلمین مسجد

السهلة، و موضع خلواته الذکوات البيض من الغریبین؛ ^۸



انظر

۳۳۲

سال دوم / شماره ششم / زمستان ۸۱



مرکز حکومت او، کوفه، و مرکز قضاوت اش، مسجد اعظم کوفه، و مرکز بیت المال و محل تقسیم غنایم مسلمانان، مسجد سهله، و محل خلوت و مناجات هایش تپه های سپید و نورانی نجف اشرف است.^۹

۵. ابوبکر حضرمی از محضر امام باقر (علیه السلام) پرسید: «بعد از خانه ی خدا و حرم رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) کدامین بقعه از همه ی بقعه ها با فضیلت تر است؟». امام باقر (علیه السلام) فرمود:

ای ابابکر! کوفه است که پاک و پاکیزه است، و قبور پیامبران مرسل و غیر مرسل در آن است، و قبور صالحان و صدیقان در آن است، و مسجد سهیل^{۱۰} در آن است که:

خداوند، هیچ پیامبری مبعوث نکرده، جز این که در آن نماز گزارده است.

و فیها یظهر عدل الله؛ عدالت خداوند در آن جا ظاهر می شود.

و فیها یكون قائمه و القوام من بعده؛^{۱۱} خلیفه ی قائم به حق خداوند، و دیگر قائمان بعد از او نیز در آن جا خواهند بود.

آن جا اقامت گاه پیامبران، و اوصیای پیامبران و صالحان است.^{۱۲}

۶. ابان بن تغلب، در سفری با امام صادق (علیه السلام) هم سفر شد. در اطراف کوفه، در سه نقطه، امام صادق (علیه السلام) از اسب پیاده شد، دو رکعت نماز گزارد.

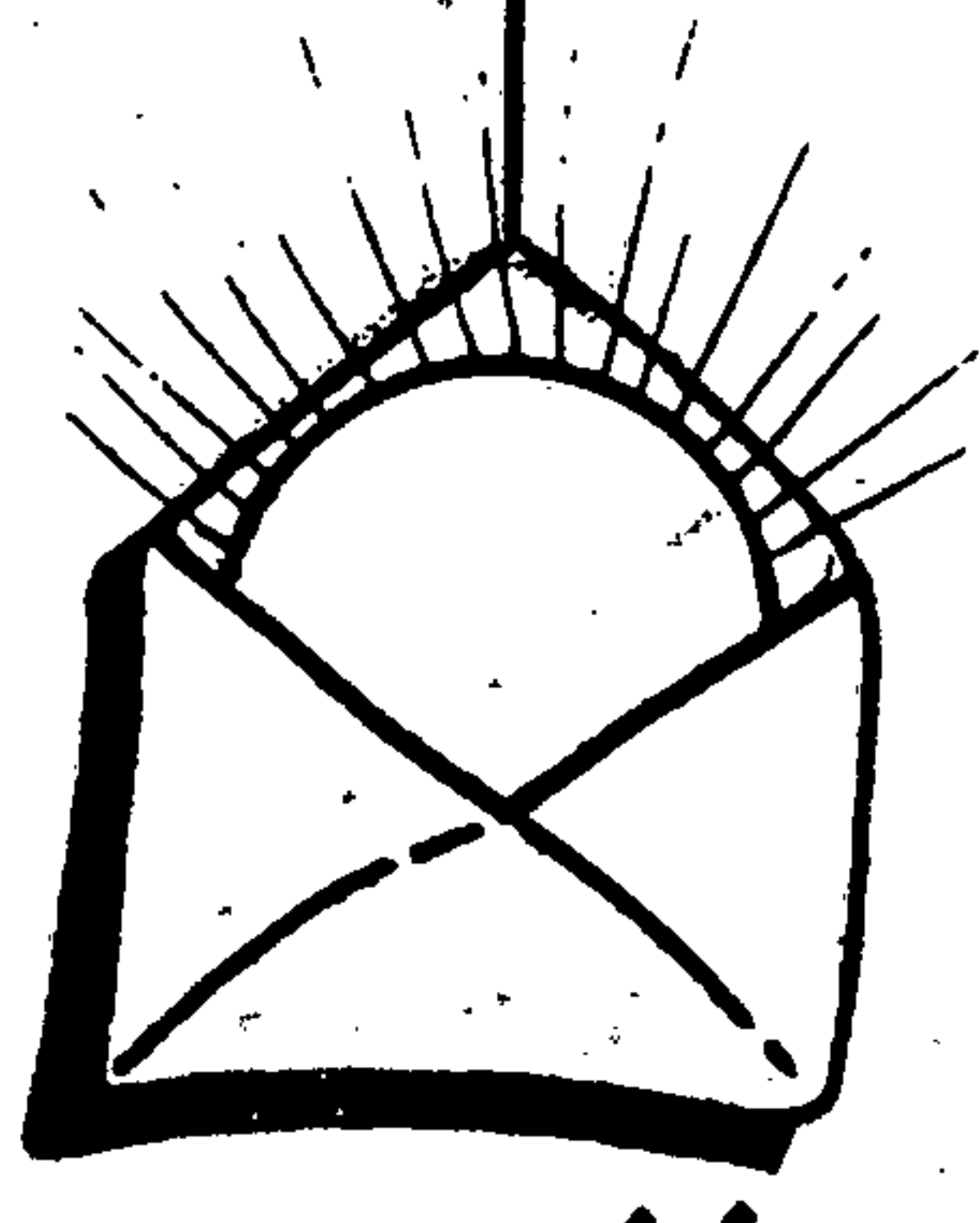
ابان، در مورد این سه نقطه، از آن حضرت پرسید. امام (علیه السلام) توضیح داد. سومین مورد را «محل نزول قائم (علیه السلام)» معرفی فرمود.^{۱۳}

در این حدیث اگرچه به نام مسجد سهله تصریح نشده، ولی از بررسی مجموع روایات اطمینان حاصل می شود که آن نقطه، مسجد سهله بوده است.

۷. محمد بن حسین بن عبدالله تمیمی، مشهور به «ابو سوره» از بزرگان زیدیّه بود. روز عرفه ای، به زیارت امام حسین (علیه السلام) مشرف شد. شب عید را نیز در حائر حسینی بیتوته کرد. در پگاه عید اضحی، به هنگام خروج از حرم امام حسین (علیه السلام) به پیش گاه مقدس حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، شرفیاب شد. در محضر آن قبله ی موعود، به سوی مسجد سهله حرکت کرد. معجزه ای از آن حضرت مشاهده کرد. مستبصر شد و به آیین تشیع اثناعشری گروید.

ابو سوره می گوید: «هنگامی که به مقابر مسجد سهله^{۱۴} رسیدیم، آن امام همام فرمود:

«هُوَ ذَا مَنْزِلِي؛^{۱۵}



انظار

۳۳۳

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

این جاخانه‌ی من است.»

در این احادیث، از مسجد سهله به عنوان اقامت‌گاه حضرت بقیة اللہ، ارواحنا فداء، به هنگام ظهور سخن رفته است در احادیث فراوان دیگری، به ابعاد دیگری از ویژگی‌های مسجد سهله اشاره شده، که شماری از آن‌ها را در این جامی آوریم:

۸. شیخ طوسی، با سلسله اسناد خود، در ضمن یک حدیث طولانی، از وجود مقدس امیر مؤمنان (علیه السلام) روایت می‌کند که به هنگام شمارش مساجد مبارکه‌ی کوفه فرمود:

و مسجد بنی ظفر مسجد مبارک. واللہ! ان فیہ لصخرة خضراء، و ما بعث اللہ من نبی الا فیہا تمثال وجهه، و هو مسجد السہلة؛^{۱۶}

مسجد بنی ظفر، که همان مسجد سهله است، مسجد مبارکی است. به خدا سوگند! در آن، تخته سنگ سبز رنگی است که خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده، جز این که تمثال صورت‌اش در آن هست.

۹. مرحوم کلینی، در همین رابطه، حدیثی با سلسله اسنادش از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده که آن حضرت، در شمار مساجد مبارکه‌ی کوفه فرمود:

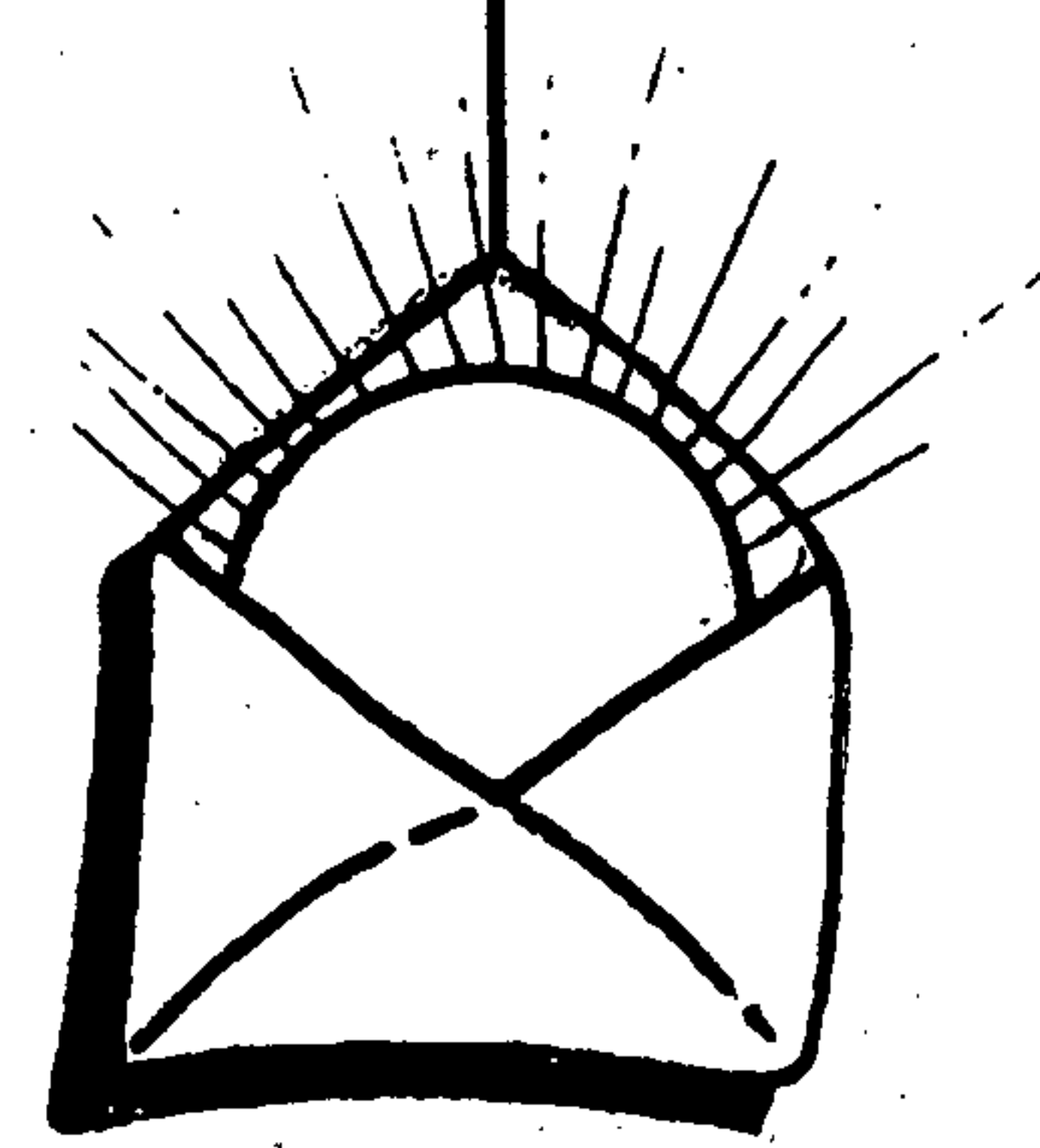
و مسجد بنی ظفر و هو مسجد السہلة؛^{۱۷}
و مسجد بنی ظفر که همان مسجد سهله است.

۱۰. امام صادق (علیه السلام) خطاب به علاء بن رزین فرمود: «در نزدیکی شما، مسجدی هست که شما آن را «مسجد سهله» می‌نامید و ما آن را «مسجد شری»^{۱۸} می‌نامیم، آیا در آن مسجد نماز می‌خوانی؟». علاء گفت: «آری! جان‌ام به فدایت! من، در آن جا نماز می‌خوانم.»
امام صادق (علیه السلام) فرمود:

ائتہ؛ فانہ لم یأتہ مکروب الا فرج اللہ کربتہ - أو قال: قضی اللہ حاجتہ - و فیہ زبرجدة فیہا صورة کل نبی و کل وصی؛^{۱۹}

آری، آن جابرو؛ زیرا، هرگز اندوه‌ناکی به آن جانمی‌رود، جز این که خداوند، اندوه‌اش را می‌زداید. او یا فرمود: حاجت‌اش را بر می‌آورد. و در آن جابرجدی هست که تمثال همه‌ی پیامبران و همه‌ی اوصیای پیامبران در آن است.

۱۱. امیر مؤمنان (علیه السلام) به مالک بن ضمیره رواسنی - که از خواص اصحاب‌اش بود -^{۲۰} فرمود: «آیا به مسجدی که در پشت خانه‌ات هست، می‌روی؟ و در آن نماز می‌گزاری؟». مالک



انظر

۳۳۴

گفت: «ای امیر مؤمنان! معمولاً، در این مسجد، خانم‌ها نماز می‌خوانند.»
فرمود:

یا مالک! إذا ک مسجد ما أتاه مکروب قطّ، إلا فرّج الله عنه و أعطاه حاجته؛^{۲۱}

ای مالک! این، مسجدی است که هرگز شخص اندوه‌ناکی به آن جانمی‌رود، جز این که خداوند هم و غم‌اش را بر طرف می‌کند، حاجت‌اش را بر می‌آورد.

در این حدیث، اگرچه به نام «مسجد سهله» تصریح نشده، جز این که از بررسی احادیث، اطمینان حاصل می‌شود که در مورد مسجد سهله است و لذا این مشهدی، آن را در باب احادیث مربوط به فضائل مسجد سهله نقل کرده است.^{۲۲}

۱۲. امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمود:

[انه] ^{۲۳} ما من مکروب یأتی مسجد السهله، فیصلی فیہ رکعتین بین العشاءین و یدعوالله

تعالی، إلا فرّج الله کربه؛^{۲۴}

هیچ غم‌زده‌ای نیست که به مسجد سهله برود و در آن دو رکعت نماز میان مغرب و عشا بخواند و خدای را بخواند، جز این که خداوند غم‌هایش را زایل گرداند.

۱۳. از امام زین العابدین (علیه السلام) روایت شده که فرمود:

مَنْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ رَكَعَتَيْنِ، زَادَ اللَّهُ فِي عَمْرِهِ سِتِّينَ؛^{۲۵}

هر کس در مسجد سهله دو رکعت نماز بگذارد، خداوند، دو سال بر عمر او می‌افزاید.

۱۴. امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمود:

إذا دخلت الكوفة، فأت مسجد السهله، فصلّ فيه و اسأل الله حاجتك لدینک و دنیاک...؛^{۲۶}

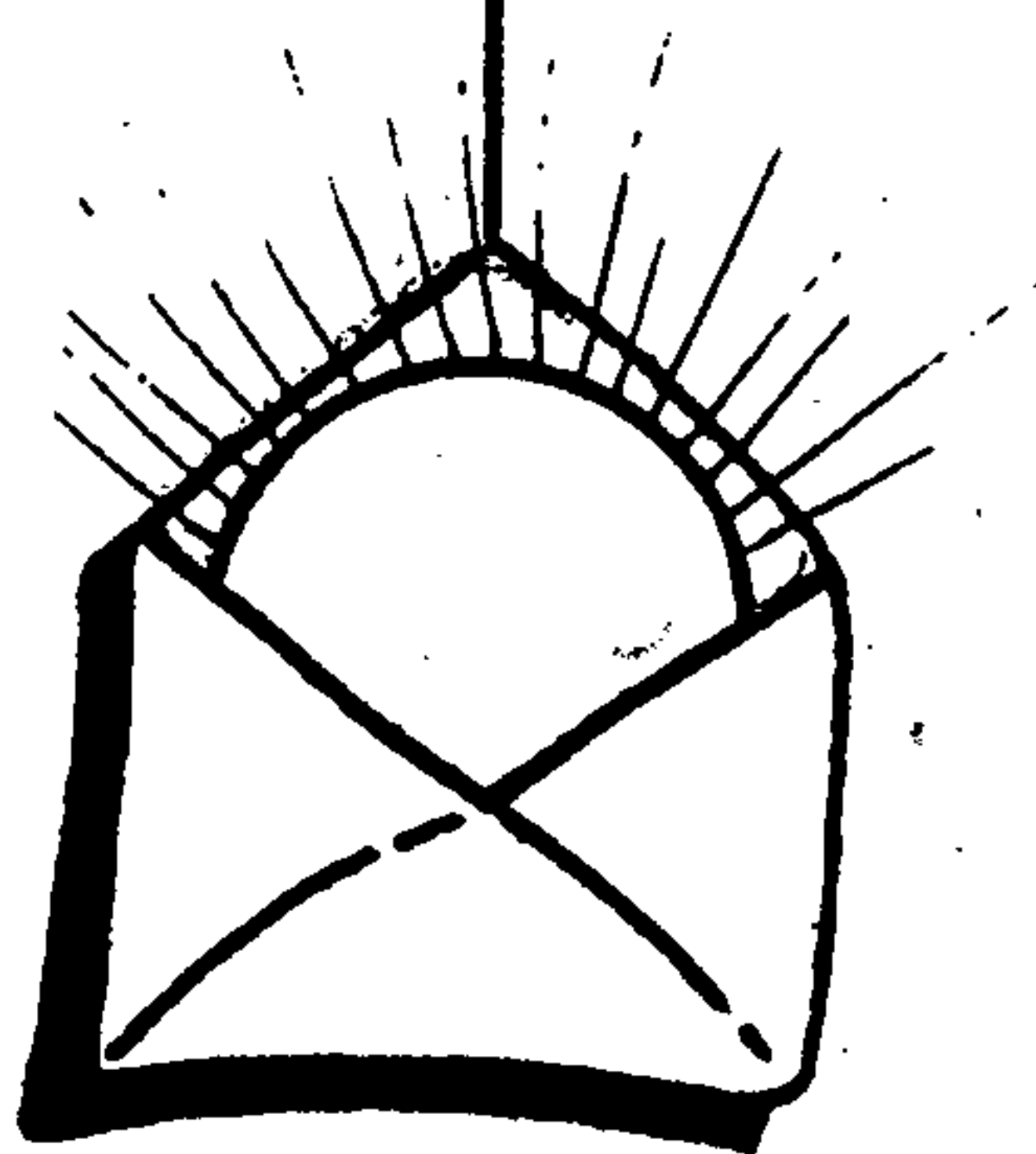
هنگامی که وارد کوفه شدی، به مسجد سهله برو و در آن جانماز بگذار، آن گاه حاجت‌های مادی و معنوی خود را از خداوند بطلب که:

مسجد سهله خانه‌ی ادريس نبی بود.

حضرت ادريس در آن جا لباس می‌دوخت و نماز می‌خواند.

هر کس در مسجد سهله خدا را بخواند، برای هر حاجتی که مورد علاقه‌اش باشد، خداوند، حاجت‌اش را بر می‌آورد، و در روز قیامت، او را تارتبه‌ی حضرت ادريس بالا می‌برد، و او را از ناملايمات دنیا و نیرنگ‌های دشمنان پناه می‌دهد.

۱۵. مرحوم کلینی با سلسله اسنادش از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود:



انظار

۳۳۵

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

بالكوفة مسجد يقال له «مسجد السهلة». لو أن عمي زيدا أتاه، فصلّى فيه واستجار الله،
لأجاره عشرين سنة. فيه مناخ الرّأكب وبيت ادریس النّبی (علیه السّلام)، و ما أتاه مكروب
قطّ فصلّى فيه بین العشائین و دعا الله، الاّ فرّج الله كربته؛^{۲۷}

در کوفه، مسجدی است که «مسجد سهله» نامیده می شود، اگر عمویم زید به آن جامی رفت
و به خدا پناهنده می شد، خداوند، بیست سال او را پناه می داد.

آن جا جایگاه سواره، و خانه ی ادریس نبی (علیه السّلام) است.

هیچ غم زده ای نیست که به آن جا برود و میان مغرب و عشا نمازی بگزارد و خدا را بخواند،
جز این که خداوند غم هایش را بر طرف می سازد.

در نقل شیخ طوسی آمده است که پرسیدند: «منظور از «سواره» کیست؟». فرمود: «حضرت
خضر (علیه السّلام)». ^{۲۸}

۱۶. جعفر بن محمد بن قولویه (استاد شیخ مفید) با سلسله اسنادش از امام جعفر صادق
(علیه السّلام) روایت کرده که خطاب به ابو حمزه ی ثمالی فرمود:

ای اباحمزه! آیا عمویم زید را در شبی که خروج کرد، دیدار کردی؟». عرض کرد: «بلی.»

فرمود: «آیا در مسجد سهیل نماز گزاردی؟»

عرض کرد: «مسجد سهیل کجا است؟ آیا منظور شما مسجد سهله است؟». فرمود: «آری.»

[عرضه داشت: «نه»] ^{۲۹}

فرمود: «اما آنه لوصلی فیہ رکعتین، ثم استجار الله، لأجاره سنة؛ اگر در آن جا دور کعت نماز می خواند،

آن گاه به خدا پناهنده می شد، بی گمان، خداوند، تا یک سال او را پناه می داد.

ابو حمزه ی ثمالی گفت: «پدر و مادرم به فدای شما! آیا مسجد سهله این گونه است؟».

فرمود: «آری»؛

مسجد سهله، خانه ی حضرت ابراهیم بود، هنگامی که به سوی عمالقه رفت.

خانه ی حضرت ادریس آن جا بود و آن جا لباس می دوخت.

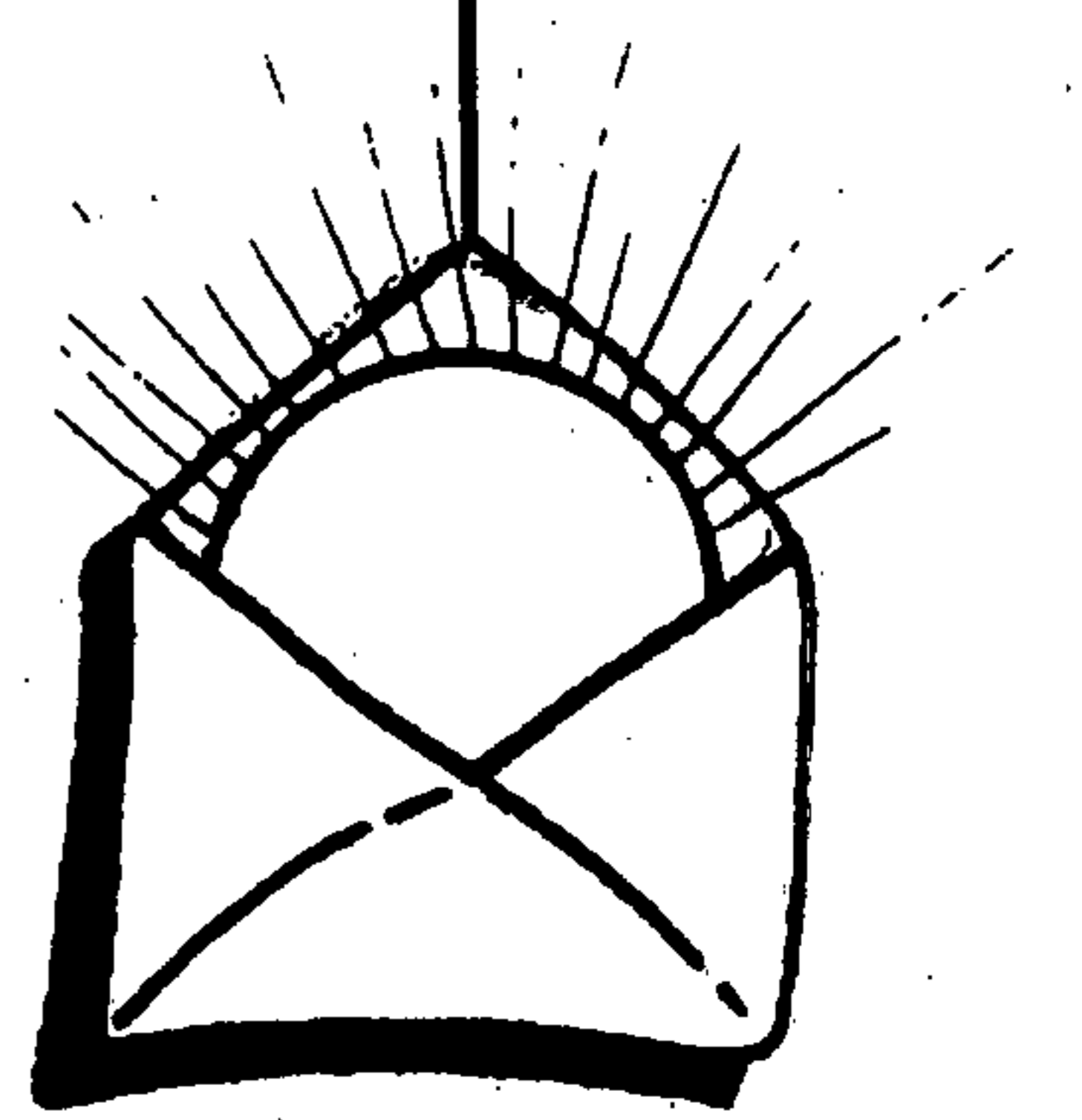
پایگاه سواره (حضرت خضر) آن جا است.

آن جا، تخته سنگ سبز رنگی است که تمثال همه ی پیامبران در آن است.

در زیر آن سنگ، تربتی است که خداوند همه ی پیامبران را از آن آفریده است.

محل عروج آن جا است. ^{۳۰}

فاروق اعظم، آن جا است، که در نقطه ای از آن است. ^{۳۱}



انظار

۳۳۶

آن جا، رهگذر مردمان است.
 آن جا، از سرزمین کوفه است.
 صور، در آن جادمیده می شود.
 حشر و نشر، به سوی آن جا است.

هفتاد هزار نفر از کنار آن محشور می شوند که بدون حساب وارد بهشت می گردند...^{۳۲}

۱۷. مرحوم کلینی، در همین باره از عبدالله بن ابان روایت می کند که گفت:
 روزی، در خدمت امام صادق (علیه السلام) بودیم. خطاب به حاضران فرمود: «آیا کسی از شما، از سرگذشت عمویم «زید بن علی» (علیه السلام) اطلاعی دارد؟»
 یکی از حاضران گفت: «آری؛ من، تا حدی از مطالب ایشان خبر دارم. شبی، در خانه ی معاویه بن اسحاق انصاری، در خدمت جناب زید بودیم که گفت: «مهیّا شوید به مسجد سهله برویم و در آن جا نماز بگزاریم.»
 امام صادق (علیه السلام) پرسید: «آیا انجام داد؟». پاسخ داد: «نه. کاری پیش آمد و او را از رفتن به مسجد سهله بازداشت.»

امام (علیه السلام) فرمود: «اما والله! لو أعاذالله به حولاً لا عاذه؛^{۳۳} به خدا سوگند. اگر در آن جا برای یک سال از خدا پناه می طلبید، خداوند به او پناه می داد.»

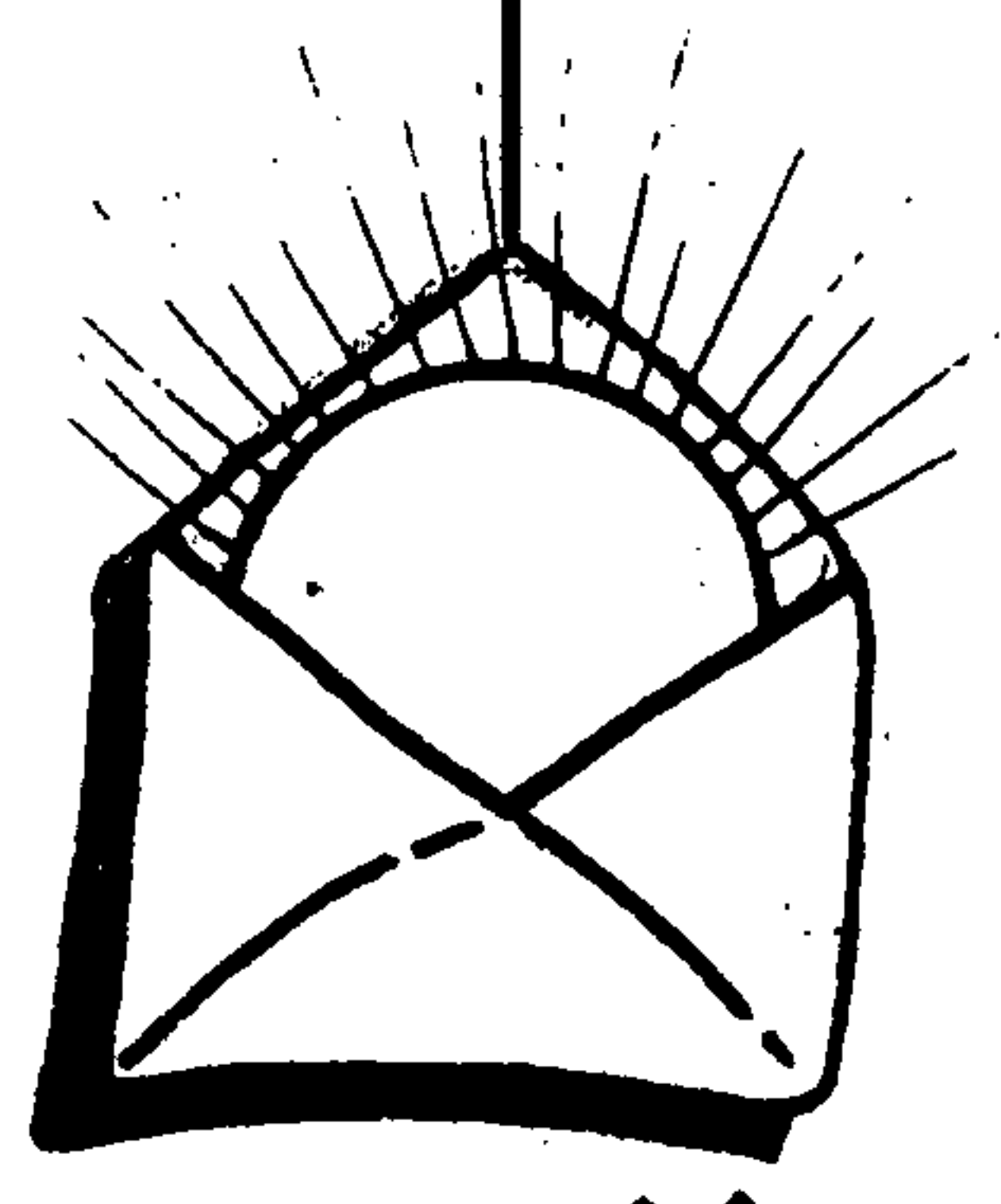
سپس فرمود: «آیا نمی دانید که

آن جا، خانه ی ادريس نبی (علیه السلام) بود،

حضرت ادريس، آن جا خیاطی می کرد،
 حضرت ابراهیم (علیه السلام) از آن جا به سوی عمالقه رفت،

داوود از آن جا به جنگ جالوت رفت،
 در آن جا تخته سنگ سبز رنگی است که
 تمثال همه ی پیامبران در آن است،
 گل همه ی پیامبران، از زیر آن سنگ اخذ شده است،

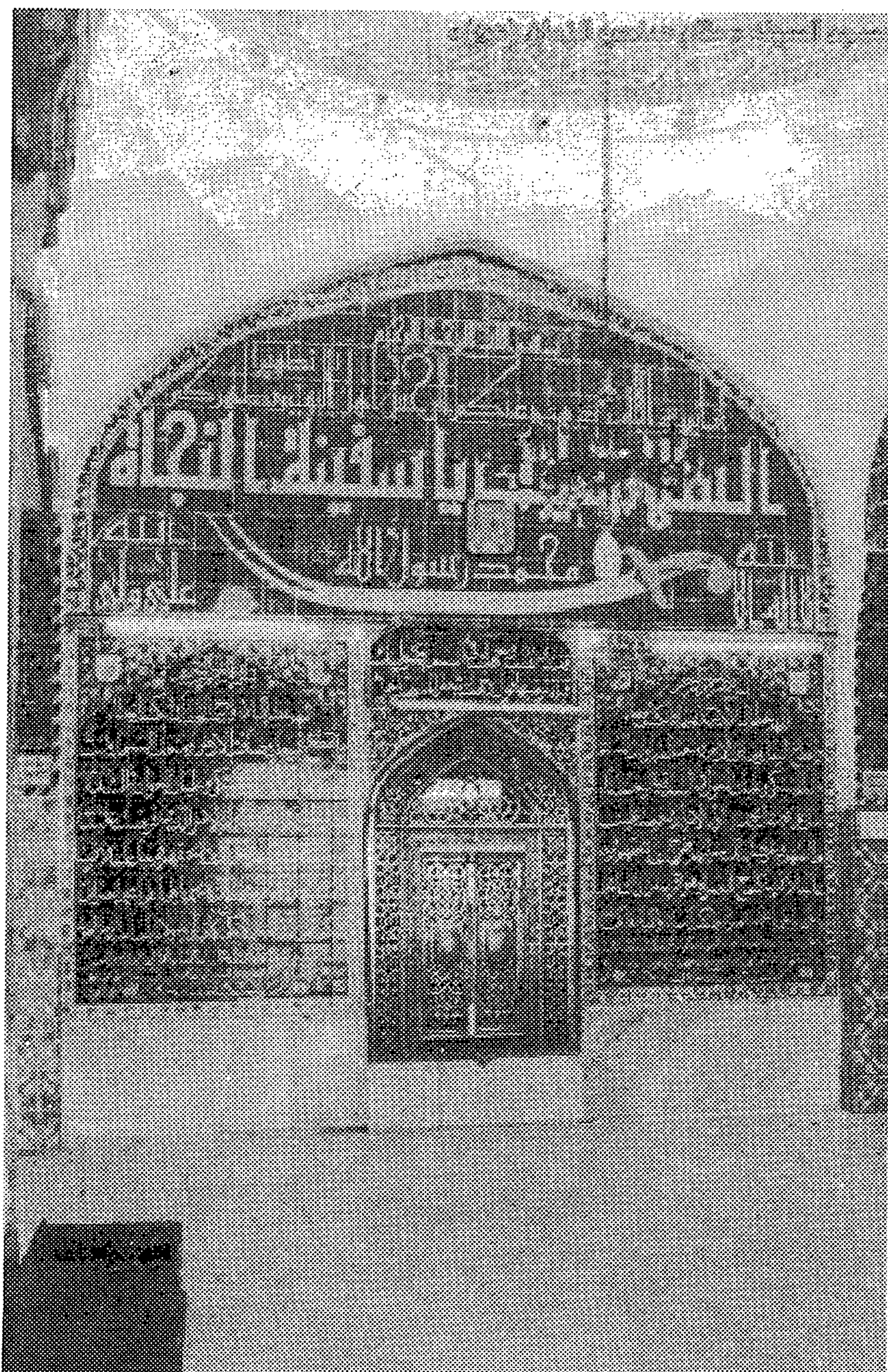
آن جا، پایگاه سواره است!».



انتظار

۳۳۷

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱



پرسیدند: «سواره کیست؟». فرمود: «خضر (علیه السلام) است.»^{۳۴}
۱۸. علامه‌ی مجلسی از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود:

مسجد السهله مناخ الراكب؛

مسجد سهله، پایگاه سواره است.»

پرسیدند: «منظور از سواره کیست؟». فرمود: «حضرت خضر (علیه السلام)».^{۳۵}
۱۹. ابن مشهدی، با سلسله اسنادش از علی بن ابراهیم (صاحب تفسیر قمی) روایت کرده که در ضمن یک حدیث طولانی از پدرش ابراهیم بن هاشم نقل کرده، که در مسجد سهله، به خدمت حضرت خضر (علیه السلام) شرف یاب شده، در زاویه‌ی شرقی مسجد، از آن حضرت پرسید: این جا چه نام دارد؟» حضرت خضر (علیه السلام) فرمود:

انه مقام الصالحين والأنبياء والمرسلين؛^{۳۶}

این جا، مقام صالحان و پیامبران و رسولان است.

۲۰. ابن مشهدی، با چند طریق از «بشار مکاری» روایت می‌کند که روزی به محضر امام صادق (علیه السلام) شرف یاب شد، طبقی از خرما ی طبرزد را در محضر امام (علیه السلام) مشاهده کرد. امام (علیه السلام) از آن خرما به بشار تعارف کرد. ایشان عذر آورد که در مسیر خود با حادثه‌ی دل خراشی مواجه شده است، لذا نمی‌تواند چیزی بخورد.

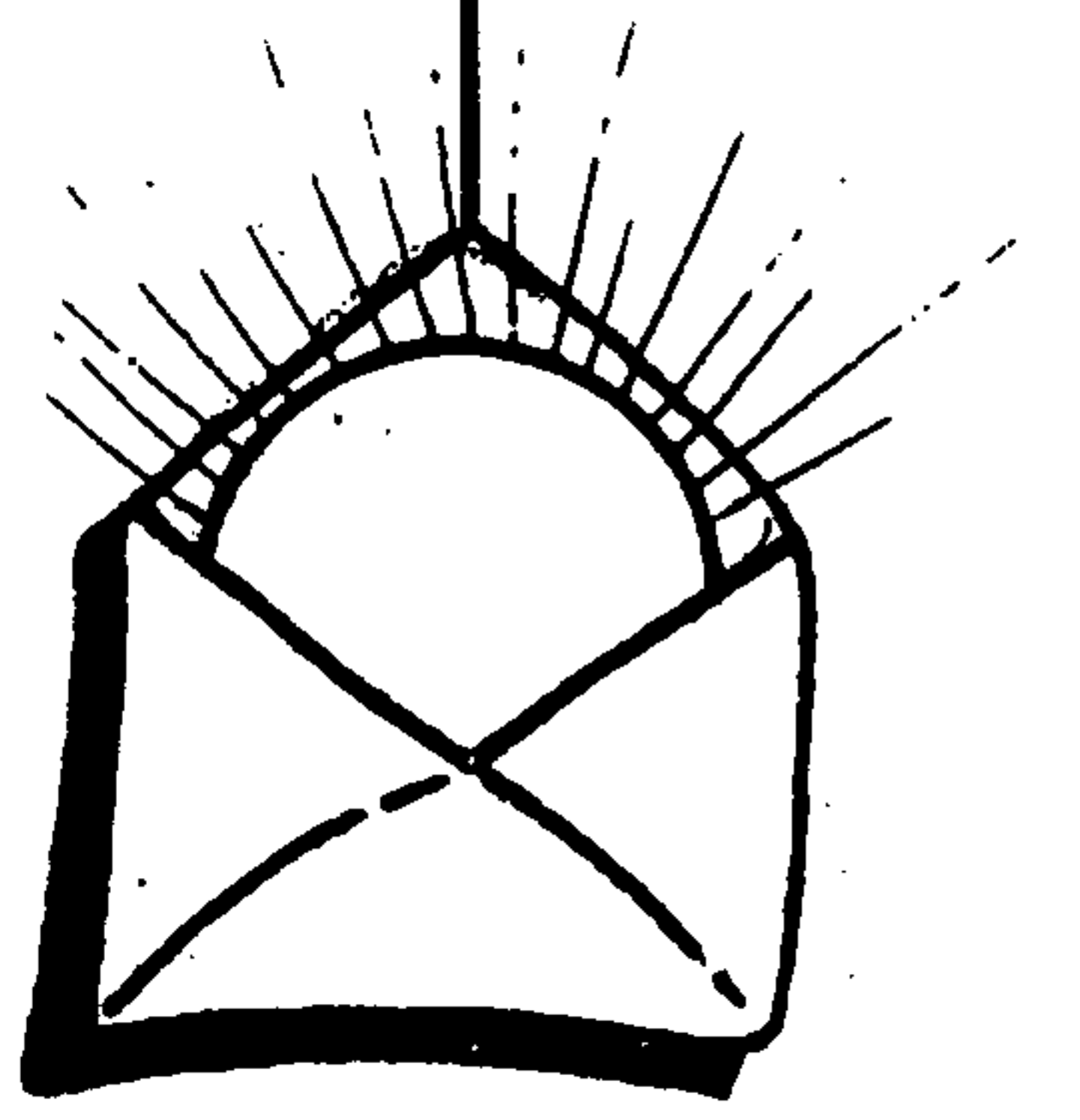
امام (علیه السلام) آن حادثه را جو یا می‌شوند. بشار می‌گوید: «خانمی را در کوچه دیدم که زمین خورده بود. به یاد حضرت زهرا (علیها السلام) افتاده، گفته بود: "لعن الله ظالمیک یا فاطمة!"

گزارش، به شرطه رسیده بود. شرطه، او را دستگیر کرد. به سوی زندان برد. مرتب، با تازیانه بر سرش کوبید. او نیز هر چه فریاد می‌زد و یاری می‌طلبید، کسی جرئت نمی‌کرد که به یاری اش بشتابد.»

امام (علیه السلام) دست از طعام کشید. اشک از دیدگان مبارک اش سرازیر شد. آن قدر گریست که محاسن و سینه و دستمال اش خیس شد. آن گاه به بشار فرمود:

«بشار! برخیز به مسجد سهله برویم و خدای را بخوانیم و آزادی آن زن را از خداوند بخواهیم.»

امام (علیه السلام) کسی را به شرطه خانه فرستاد و به او فرمود: «آن جا بماند تا هنگامی که



انظر

۳۳۸

از آن زن خبری دریافت کند...».

بشار می گوید: «در خدمت امام (علیه السلام) به مسجد سهله رفتیم. هر کدام دو رکعت نماز گزاردیم. آن گاه امام (علیه السلام) دست ها را به سوی آسمان برافراشت و دعای: «أنت الله لا اله الا أنت...» را تا آخر خواند. آن گاه به سجده رفت. من، جز صدای نفس هایش را نمی شنیدم.

پس از مدتی سر از سجده برداشت و فرمود:

«برخیز که زن آزاد شد.»

بشار گوید: «در محضر امام (علیه السلام) حرکت کردیم. در کوچه های کوفه بودیم که فرستاده ی امام (علیه السلام) آمد و آزاد شدن آن خانم را به امام (علیه السلام) نوید داد...»^{۳۷}.

ویژگی های مسجد سهله

از بررسی مجموع روایاتی که درباره ی مسجد سهله رسیده، به این نتیجه می رسیم که برای مسجد سهله ویژگی های فراوان و امتیازات بی شمار است که به گوشه ای از آن ها در این جا اشاره می کنیم. برای رعایت اختصار، فقط به شماره ی حدیث و یا احادیثی که به آن ویژگی دلالت می کند، در داخل کروشه اشاره می کنیم.

۱. آن جا، از سرزمین کوفه است. [ح ۱۶].

۲. آن جا، اقامت گاه پیامبران و صالحان است. [ح ۵]

۳. آن جا، اقامت گاه جانشینان حضرت مهدی (علیه السلام) است. [ح ۵]

۴. آن جا، اقامت گاه حضرت ابراهیم (علیه السلام) بود. [ح ۳ و ۱۶]

۵. آن جا، اقامت گاه حضرت ادریس (علیه السلام) بود. [ح ۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷]

۶. آن جا، اقامت گاه حضرت بقیة الله، ارواحنا فداء، است. [ح ۱، ۳، ۵، ۶ و ۷]

۷. آن جا، اقامت گاه دائمی آن حضرت است. [ح ۳]

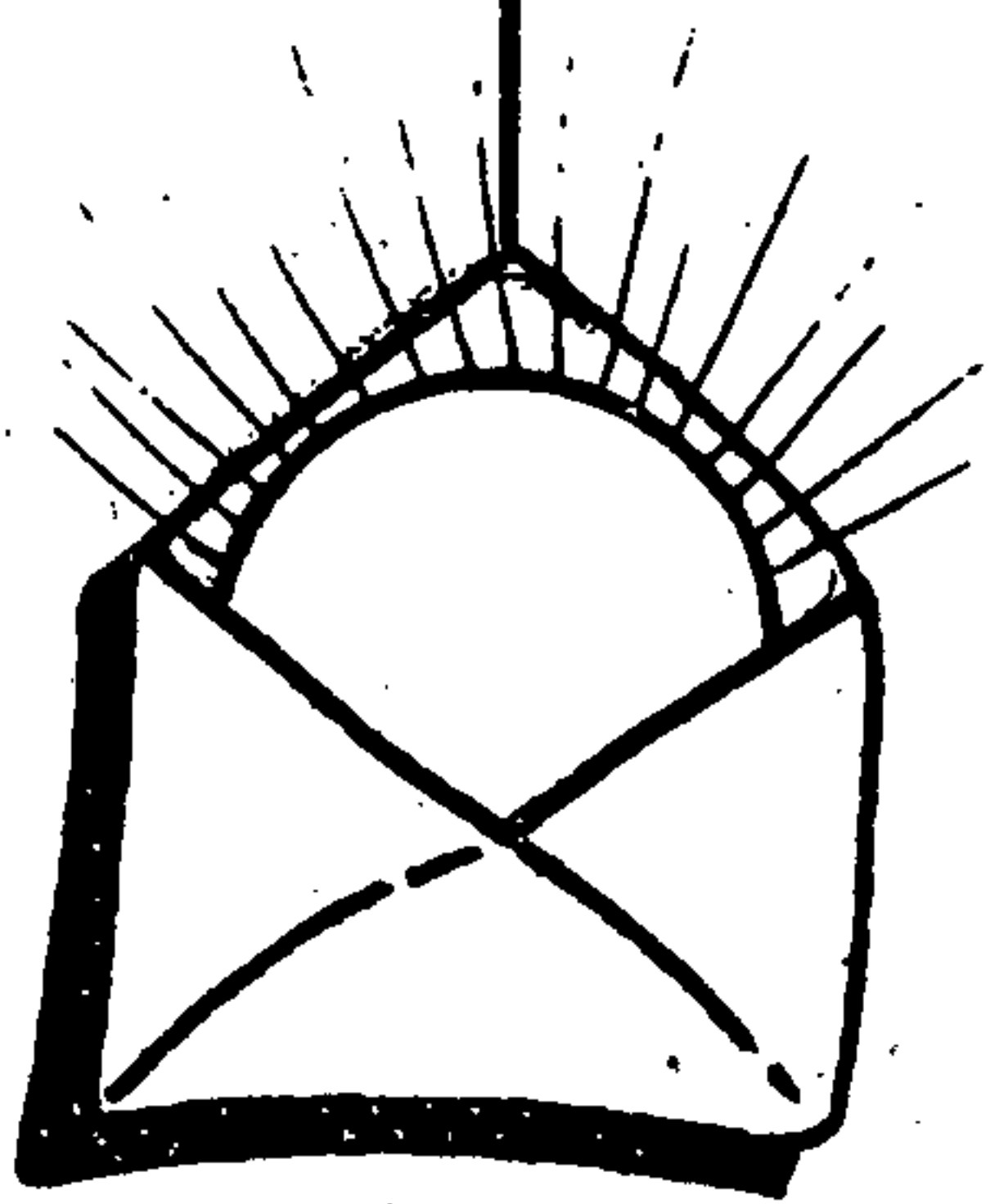
۸. آن جا، پایگاه حضرت خضر (علیه السلام) است. [ح ۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸]

۹. آن جا، تربتی هست که همه ی پیامبران از آن آفریده شده اند. [ح ۱۶ و ۱۷]

۱۰. آن جا، رهگذر راهیان بهشت است. [ح ۱۶]

۱۱. آن جا، عبادت گاه حضرت ادریس بود. [ح ۱۴]

۱۲. آن جا، کارگاه خیاطی حضرت ادریس بود. [ح ۱۴ و ۱۷]

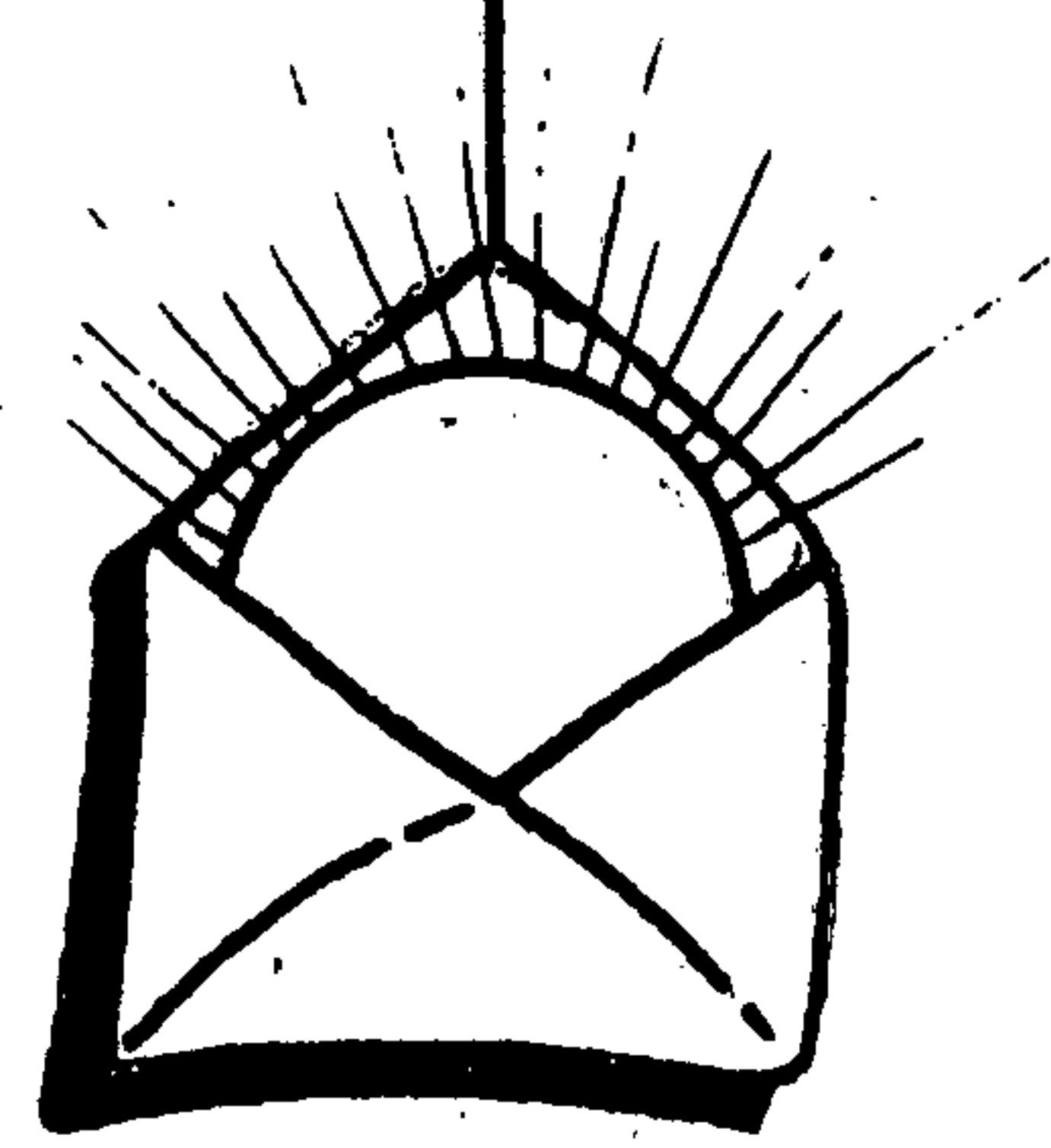


انظار

۳۳۹

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

۱۳. آن جا، مبارک است. [ح ۸ و ۹]
۱۴. آن جا، محل تقسیم غنایم در عصر ظهور است. [ح ۴]
۱۵. آن جا، محل عروج است. [ح ۱۶]
۱۶. آن جا، محل نزول فرشته‌ها است. [ح ۳]
۱۷. آن جا، محل نیایش حضرت صاحب (علیه السلام) است. [ح ۱۹]
۱۸. آن جا، مرکز بیت المال حضرت است. [ح ۴]
۱۹. آن جا، مقام صالحان و پیامبران است. [ح ۱۹]
۲۰. امام صادق (علیه السلام) برای حوائج مهم به آن جا تشریف می‌برد. [ح ۲۰]
۲۱. تمثال همه‌ی پیامبران در سنگ سبز رنگی در آن جا است. [ح ۸، ۱۰، ۱۶ و ۱۷]
۲۲. تمثال همه‌ی پیامبران و اوصیای آنان نیز در آن سنگ است. [ح ۱۰]
۲۳. حشر و نشر همگان، به سوی مسجد سهله است. [ح ۱۶]
۲۴. حضرت ابراهیم (علیه السلام) از آن جا به سوی عمالقه رفت. [ح ۱۶ و ۱۷]
۲۵. خانواده‌ی حضرت مهدی (علیه السلام) در هنگام ظهور، در آن جا فرود می‌آیند. [ح ۱ و ۳]
۲۶. خدا، دوست دارد که در آن جا نیایش شود. [ح ۳]
۲۷. داوود، از آن جا به جنگ جالوت رفت. [ح ۱۷]
۲۸. دل هر زن و مرد مؤمن به آن جا پر می‌کشد. [ح ۳]
۲۹. دو رکعت نماز در آن جا، انسان را در پناه خدا قرار می‌دهد. [ح ۱۶]
۳۰. دو رکعت نماز میان مغرب و عشا، در آن جا، موجب افزایش عمر است. [ح ۱۳]
۳۱. دو رکعت نماز میان مغرب و عشا، در آن جا، موجب رفع غم می‌شود. [ح ۱۲]
۳۲. صُور، در آن جا دمیده می‌شود. [ح ۱۶]
۳۳. عبادت در آن جا، همانند عبادت در خیمه‌ی رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است. [ح ۳]
۳۴. عدالت الهی، در آن جا ظاهر می‌شود. [ح ۵]
۳۵. فاروق اعظم، آن جا است. [ح ۱۶]
۳۶. فرشتگان، هر شب و روز، در آن جا فرود می‌آیند. [ح ۳]
۳۷. فضایل ناگفته‌ی آن جا، بیش‌تر از آن چه بیان شد، است. [ح ۳]
۳۸. گل همه‌ی پیامبران، از آن جا برداشته شده است. [ح ۱۷]
۳۹. مسجد بنی ظفر، همان مسجد سهله است. [ح ۹]



انظار

۳۴۰

۴۰. مسجد سهیل، همان مسجد سهله است. [ح ۵ و ۱۶]

۴۱. مسجد شری، ثری، بری نیز همان مسجد سهله است. [ح ۱۰]

۴۲. نیایش در مسجد سهله، موجب قضای حوائج و تقرب به خدا است. [ح ۱۴]

۴۳. نیایش در آن جا، موجب مصونیت از ناملايمات است. [ح ۱۴]

۴۴. نیایش در آن جا، موجب مصونیت از نیرنگ دشمنان است. [ح ۱۴]

۴۵. هفتاد هزار نفر از آن جا، بدون حساب، وارد بهشت می شوند. [ح ۱۶]

۴۶. هیچ اندوهگینی وارد آن مسجد نشود، جز این که غم و اندوه اش زدوده شود. [ح ۱۰ و ۱۱]

۴۷. هیچ پیامبر مبعوث نشد، جز این که در آن جا نماز گزارد. [ح ۳ و ۵]

۴۸. هیچ کس در آن جا به خدا پناهنده نشود، جز این که خدا او را پناه دهد. [ح ۳، ۱۵ و ۱۷]

۴۹. هیچ کس در آن جا نماز نگذارد، جز این که حاجت روا بر می گردد. [ح ۳ و ۱۲]

۵۰. هیچ کس در آن جا وارد نشود، جز این که حاجت اش برآورده شود. [ح ۱۰ و ۱۱]

باریافتگان مسجد سهله

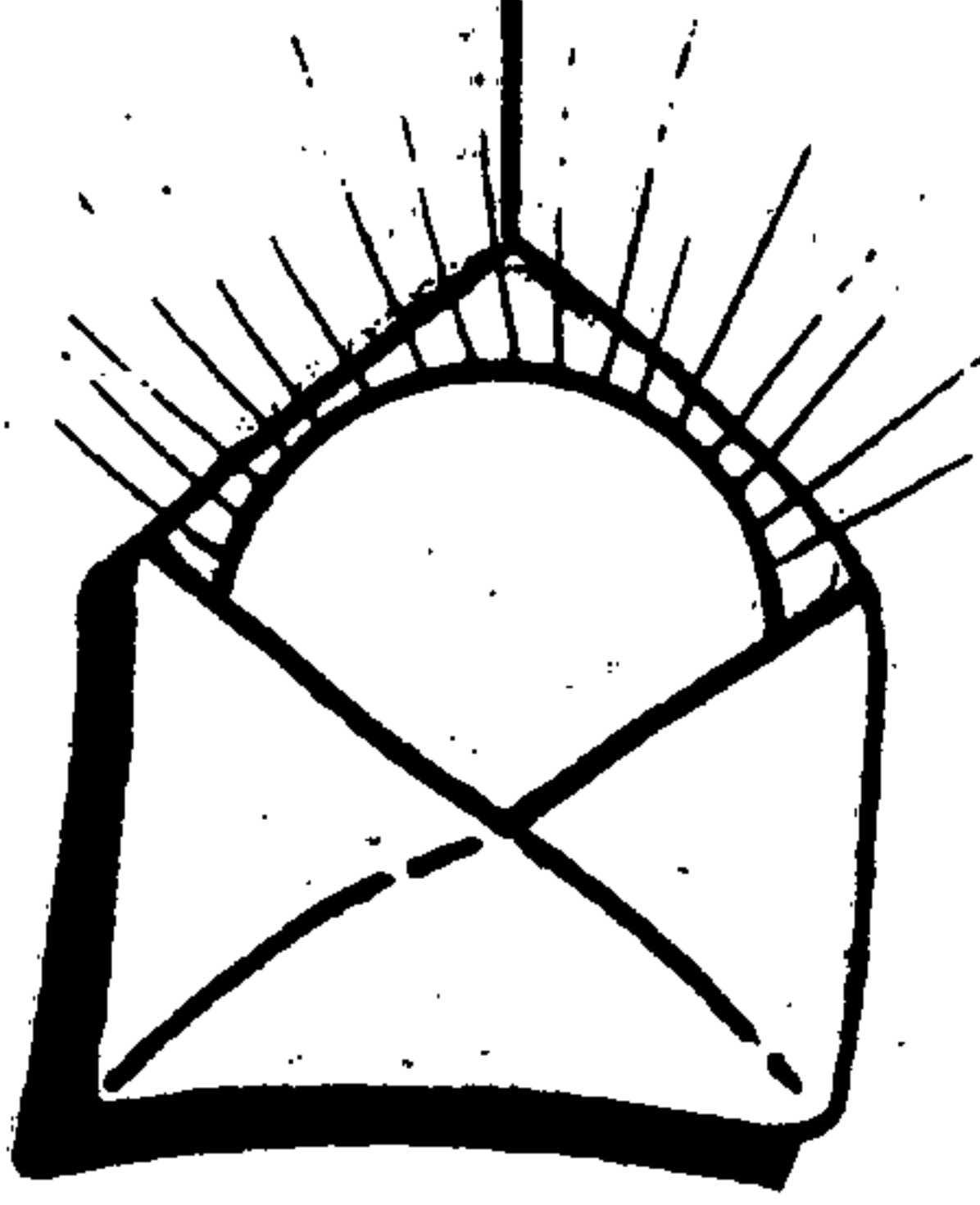
در طول یک هزار و نود و چهار سالی که از آغاز غیبت کبرای حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، می گذرد، هزاران نفر از شیعیان شیفته و منتظران دل سوخته، به قصد دیدار یار، از اقطار و اکناف جهان، به سوی مسجد مقدس سهله می شتابند، شب هایی را در آن جا بیتوته می کنند، با کعبه ی مقصود و قبله ی موعود مناجات می کنند. به دیدار جان جانان موفق می شوند، ولی به دلایلی دم فرو بسته، راز دل را به احدی اظهار نمی کنند.

در این میان، شمار اندکی از این نیک بختان یافت می شوند که علی رغم تحفظ و خویشتن داری که در کتمان توفیقات خود معمول داشته اند، راز شان بر ملا شده، به گوش دیگر دل سوخته ها نیز رسیده است.

تعداد بسیار نادری از این عزیزان، داستان تشرّف شان، به آثار مکتوب راه یافته، در لابه لای کتب درج شده، به دست ما رسیده است.

با توجه به مشکلات فراوانی که در نقل این رویدادها هست، فقط اسامی شماری از این افراد سعادت مند که در مسجد سهله به حضور یار بار یافته و یا مورد توجه محبوب قرار گرفته اند، ثبت می شود، تا مورد بررسی و مراجعه ی علاقه مندان قرار گیرد.

آن عده از شیفتگان پژوهنده و خوانندگان ارج مند که تمایل به مطالعه ی متن کامل این رخدادهای داشته باشند، می توانند به منابع یاد شده در پایان نوشتار مراجعه فرمایند.



انظار

۳۴۱

سال دوم، شماره ی ششم / زمستان ۸۱

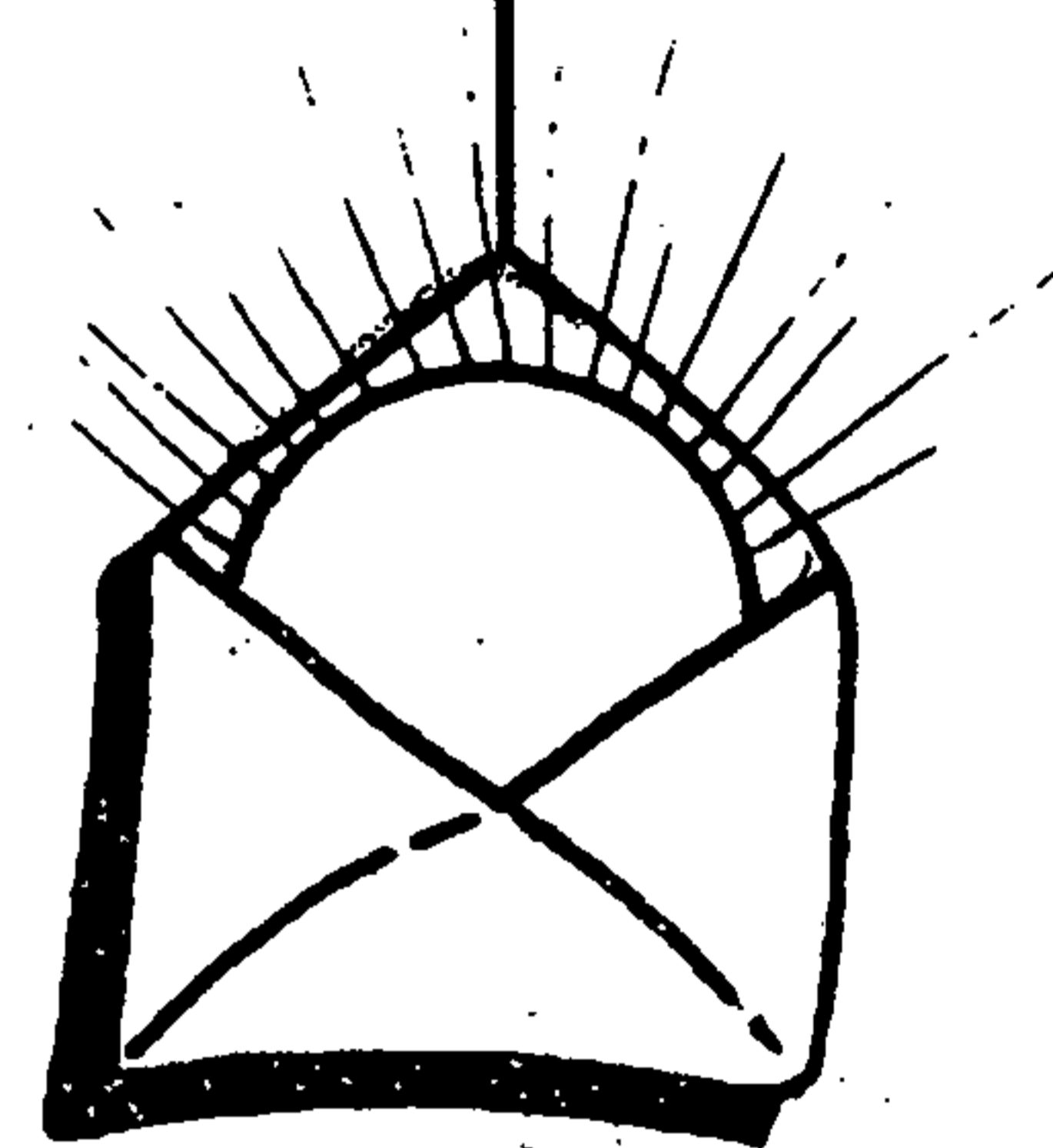
۱. محمد بن ابی روآدرواسی، با محمد بن جعفر دهان، در یکی از ایام رجب، به قصد دیدار حضرت صاحب الامر (علیه السلام) به مسجد سهله مشرف شدند. به هنگام بازگشت، در مسجد صعصعه، به محضر آن قطب دایره‌ی امکان شرف یاب شدند، دعای معروف: «اللهم یاذاالمنن السابغة» را از آن حضرت استماع کردند.^{۳۸}

۲. افتخار قرون و اعصار، آیه الله سید مهدی بحر العلوم (متوفای ۱۲۱۲ هـ) بنا به تقاضای میرزای قمی (صاحب قوانین، متوفای ۱۲۳۱ هـ) تشریف خود را در مسجد سهله به پیش گاه جان جانان و استماع مناجات گوش نواز آن امام دل نواز بیان کرد، اما از اظهار گفت و شنود خود با آن حضرت امتناع کرد.^{۳۹}

۳. سید بحر العلوم، یک بار دیگر در مسجد سهله، به محضر آن حضرت شرف یاب شد و در نماز جماعتی که به امامت آن بزرگوار برگزار شده بود، شرکت کرد.^{۴۰}

۴. سید جعفر قزوینی، در خدمت پدر بزرگوارش سید باقر قزوینی - که صاحب کرامات فراوان بود -^{۴۱} در مسجد سهله، به محضر خورشید فروزان امامت شرف یاب شده است.^{۴۲}

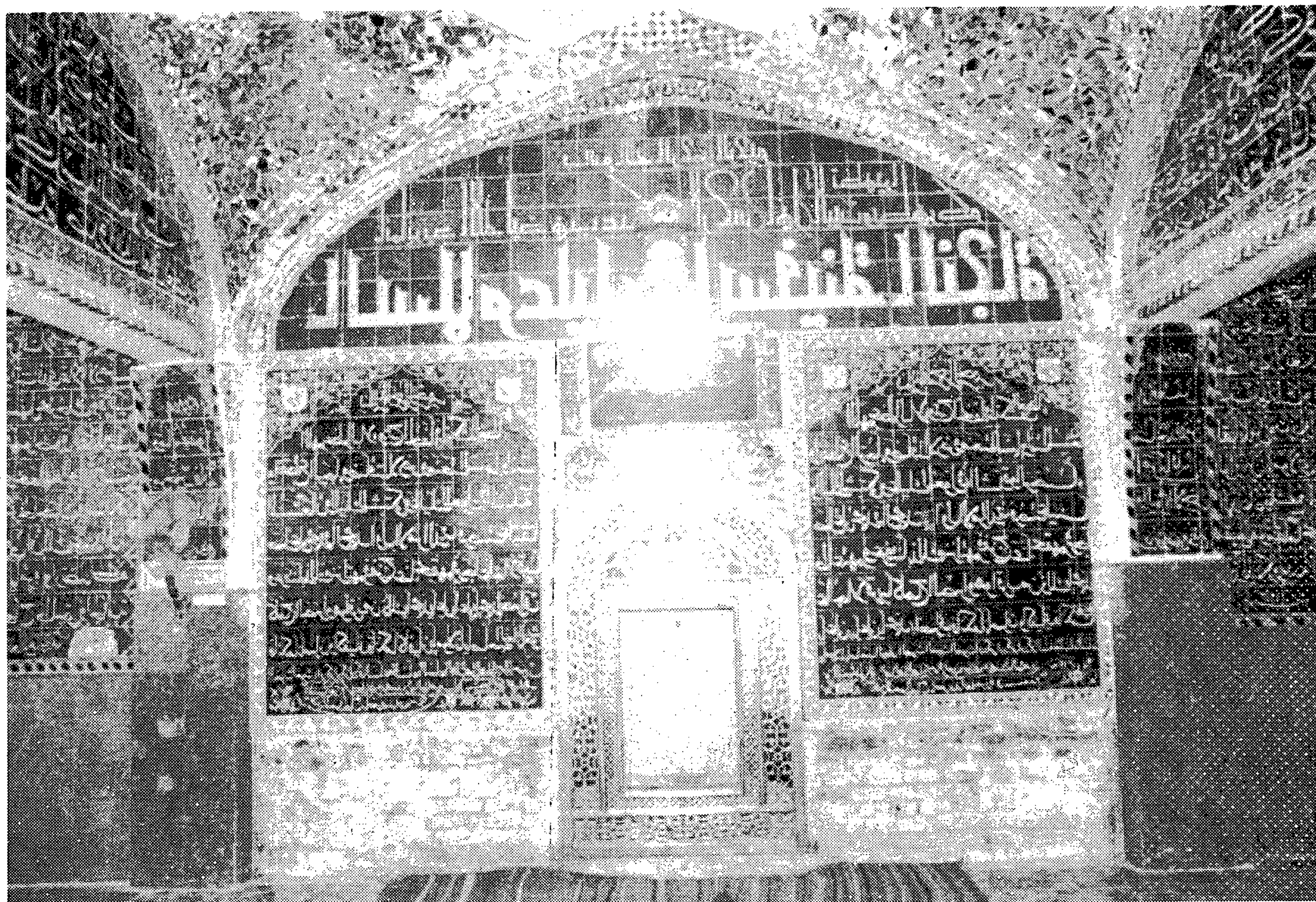
۵. سید مهدی عباباف نجفی که هر شب چهارشنبه به مسجد سهله مشرف می شد، در نیمه شبی، به خدمت خورشید عالم تاب شرف یاب شد و مشاهده کرد که در آن شب تار، در دیوار مسجد، چون روز، روشن بود.^{۴۳}



انظنار

۳۴۲

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱



۶. حاج سید احمد اصفهانی (مشهور به خوشنویس) که در زمان میرزای شیرازی به سامرا مهاجرت کرده بود، روز جمعه‌ای، در مسجد سهله، به پیش گاه پیشوای انس و جان شرف یاب شد و فرمان یافت که همه روزه، صبح گاهان، به نیابت از سوی حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) زیارت عاشورا بخواند.^{۴۴}

۷. شیخ محمود عراقی (متوفای ۱۳۰۶ هـ) از تبار جناب میثم تمّار و از شاگردان شیخ انصاری، از مولی عبدالحمید قزوینی، بدون واسطه نقل می کند که چهل شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شد. در چهلمین شب، جمال باهرالنور آن حضرت را مشاهده کرد، و صحن مسجد را بدون شمع و چراغ، از نور آن خورشید جهان افروز، روشن و منور دید.^{۴۵}

۸. سید باقر اصفهانی - که او را به عنوان سید ثقه‌ی جلیل و فاضل عادل نبیل ستوده است - بدون واسطه نقل کرده که در شب چهارشنبه‌ای، در مسجد سهله، به محضر مولا شرف یاب شد و از خوان گرم اش برخوردار گشت.^{۴۶}

۹. سید عبدالله قزوینی در سال ۱۳۲۷ هـ. در مسجد سهله، به دیدار آن حضرت توفیق یافت و مقام حضرت مهدی (علیه السلام) را روشن تر از روز دید.^{۴۷}

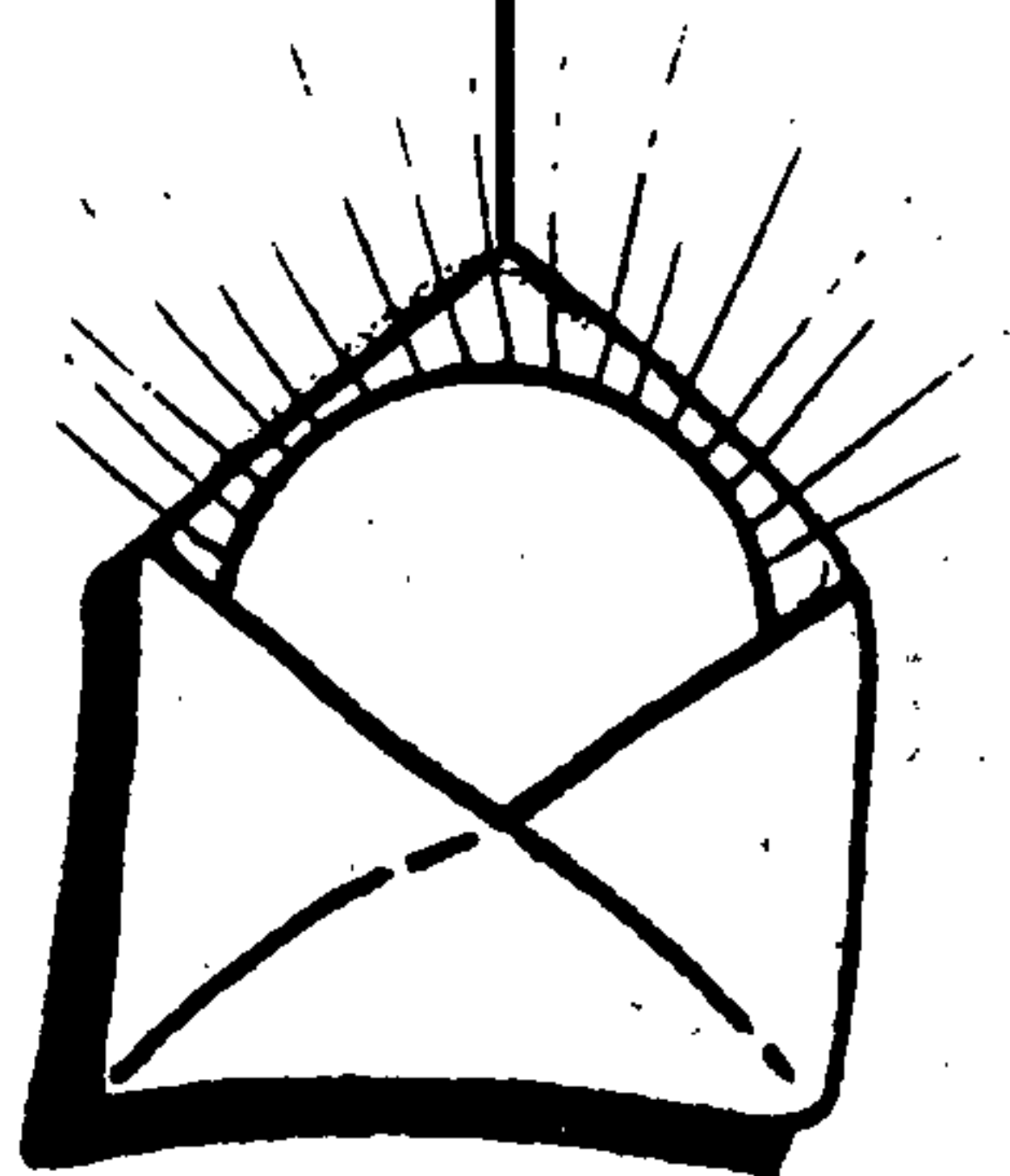
۱۰. حاج علی نجفی بایک گروه یازده نفری، هر شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شد. در یک شب چهارشنبه که مسئول شام فراموش کرده بود غذا بیاورد، بعد از اعمال مسجد، به مسجد کوفه رفتند و در حجره‌ای بیتوته کردند و از شدت گرسنگی، خواب شان نبرد که ناگهان، خورشید جهان افروز، به داخل حجره تشریف آورده، چای و برنج داغ به آنان مرحمت فرموده است.^{۴۸}

۱۱. شیخ محمود عراقی، داستان تشرّف شخص فلاح یزدی سهلاوی را در مسجد سهله، از حاج ملا باقر بهبهانی، و ادای قرض هایش را به فرمان حضرت، به دست سید اسدالله رشتی، نقل کرده است.^{۴۹}

۱۲. میرزا هادی بجستانی، از دوست اش سید حسن - که او را به تقوا و دیانت ستوده است - نقل می کند که چهل شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شد و در شب چهلم، مورد عنایت قرار گرفت.^{۵۰}

۱۳. شیخ محمدتقی حائری مازندرانی، شب چهارشنبه‌ای، در مسجد سهله، به محضر آن حضرت شرف یاب شد و دعای حضرت اش را در مورد شیعیان، به لفظ «شیعی» استماع کرد.^{۵۱}

۱۴. محدث نوری، از شیخ باقر کاظمی - که او را به داشتن ملکه‌ی اجتهاد مطلق ستوده



انظر

۳۴۳

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

است - نقل می کند که در شب چهارشنبه ای، در وسط مقام آن حضرت در مسجد سهله، نور بسیار قوی همانند شعله های آتش مشاهده کرده است.^{۵۲}

۱۵. وی، داستان یک سبزی فروش نجفی را نقل کرده که در شب های چهارشنبه، به مسجد سهله می رفته و در یک شب ظلمانی، در مقام حضرت، به محضر آن خورشید جهان افروز شرف یاب شده است. وجود حضرت، مقام را بدون شمع و چراغ، چون روز، روشن کرده بود.^{۵۳}

۱۶. سید جلیل القدری از علمای زاهدان، پس از چهل شب مداومت بر تشرّف به مسجد سهله، شب چهارشنبه ای، در مسجد سهله، خدمت مولا رسیده و مورد عنایت قرار گرفته است.^{۵۴}

۱۷. محدث نوری، از یک مرد صالح سلمانی نقل می کند که چهل شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شده، در شب چهلم، به دیدار محبوب شرف یاب شده، حضرت اش او را به ملازمت پدر پیرش، توصیه فرموده است.^{۵۵}

۱۸. حضرت آیه الله حاج میرزا مهدی اصفهانی (متوفای ۱۳۶۵ هـ) مکرر در مکرر، در مسجد سهله، برای ملاقات حضرت بقیه الله، ارواحنا فداه، و رهایی از منجلاب افکار یونانی و التقاطی، استیغاثه کرد. سرانجام، روزی به هنگام بازگشت از مسجد سهله، در مقام هود و صالح، به محضر آن حضرت شرف یاب شد و این جمله ی نورانی را بر سینه ی آن حضرت مشاهده کرد:

طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساوق لانکارنا؛^{۵۶}

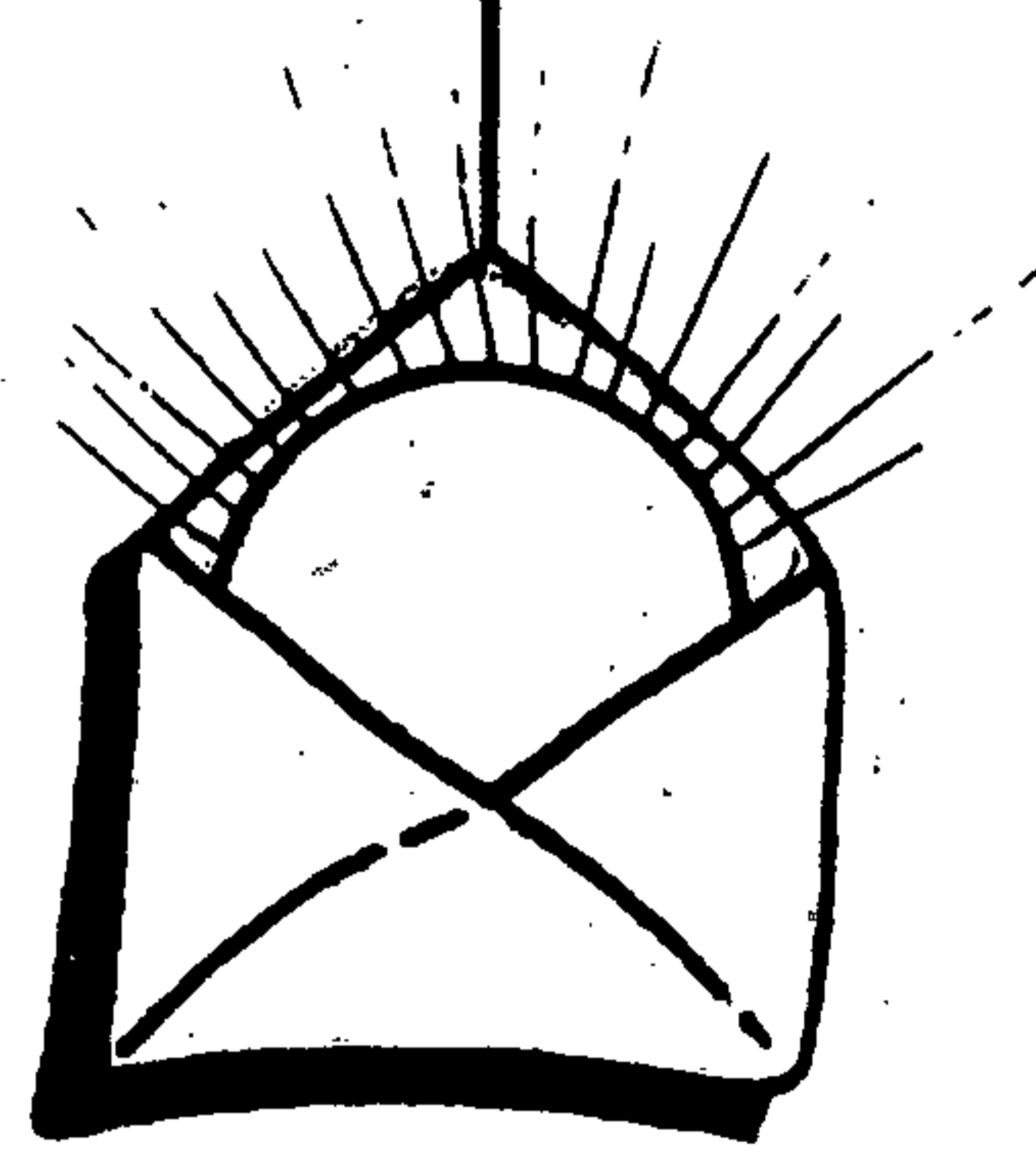
طلب کردن معارف دینی، به جز از طریق ما اهل بیت، با انکار ما مساوی است.^{۵۷}

۱۹. محدث نوری، از طرق متعدّد، از حاج عبدالله واعظ نقل کرده که مکرر، در مسجد سهله، در مقام حضرت، نور درخشانی چون آتش مشتعل مشاهده کرده است.^{۵۸}

۲۰. مرحوم آیه الله مرعشی نجفی (متوفای ۷ صفر ۱۴۱۱ هـ) داستان تشرّف سید جلیل القدری را در مسجد سهله به پیش گاه مقدّس مولا، با دست خط خود نوشته، به مرحوم عمادزاده مرحمت کرده، ایشان نیز آن را عیناً در کتاب خود آورده است.^{۵۹}

پس از درگذشت آن مرجع عالی قدر، این داستان، به نام خود آن مرحوم ثبت شده است.^{۶۰}

۲۱. علامه ی طباطبایی صاحب تفسیر المیزان (متوفای ۱۸ محرم ۱۴۰۲ هـ) از استادش مرحوم آقا سید علی قاضی نقل می کرده که برخی از افراد زمان ما، مسلماً، به محضر مبارک آن حضرت رسیده اند. یکی از آنان، حاج شیخ محمد تقی آملی بود که در مسجد سهله، در مقام آن حضرت



انظار

۳۴۴

که به مقام صاحب الزمان معروف است - مشغول دعا و ذکر بود که ناگهان آن حضرت را در میان نوری بسیار قوی می بیند که می خواهد به او نزدیک شود، ابهت و عظمت آن نور، طوری او را می گیرد که نزدیک بوده قبض روح شود، نفس هایش به شماره می افتد، حضرت را به اسمای جلالیه ی خدا قسم می دهد که نزدیک تر نشود.^{۶۱}

۲۲. سید جلیل القدری به عشق دیدار مولا، از مشهد مقدس به عتبات عالیات می رود. حدود یک سال، در کربلا اقامت می کند. چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله می رود. در شب چهلم، در حجره ی حاج شیخ محمد جواد سهلاوی به آرزوی خود می رسد و جان جانان را دیدار می کند.

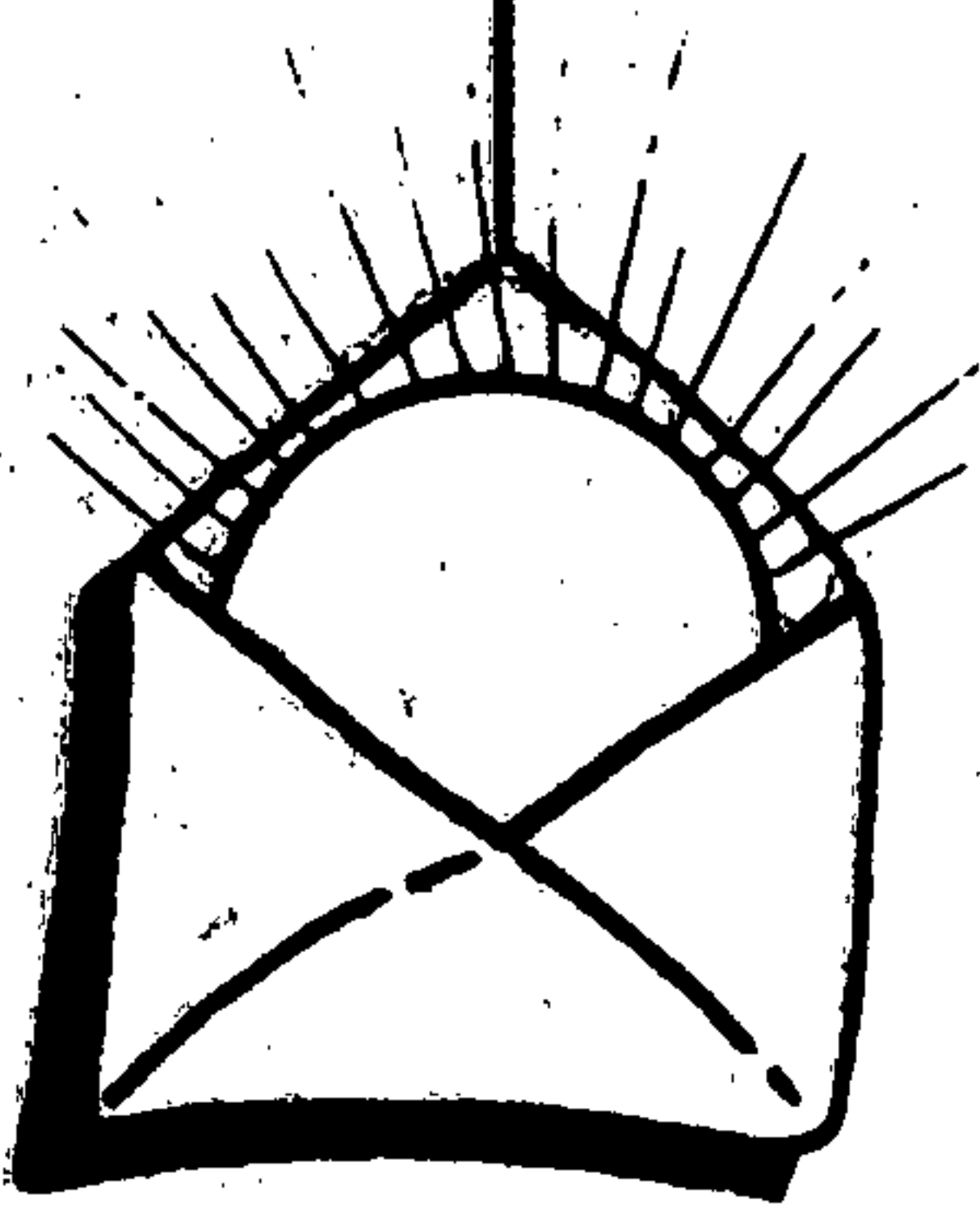
مرحوم حاج شیخ محمود عتیق (مشهور به حاج ملا آقا جان) نیز در آن محفل نورانی، حضور داشته است، ولی به جهت عصبانی شدن و تند کردن به یک طلبه، که خیال می کرده، حضور او، مانع فیض است، از این سعادت محروم می شود.^{۶۲}

۲۳. حاج شیخ محمود گمّله ای^{۶۳} در ایام اقامت اش در نجف اشرف، چهل شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شد. در این مدت، تلاش زیاد کرده که معصیت نکند و ضمناً از غذاهای حیوانی نیز اجتناب کرد. در شب چهارشنبه ۳۴ یا ۳۵ به محضر مقدس مولا می رسد. مولا، سفره ای پهن، و از او نیز برای صرف غذا دعوت می کند. او، عذر می خواهد و می گوید: «من، در شرایطی هستم که غذای حیوانی نمی خورم.» مولا می فرماید: «آن چه شنیدی، معنایش این است که مثل حیوان نخور، نه آن که غذای حیوانی نخور.»^{۶۴}

۲۴. حاج صادق کربلایی، چند شب چهارشنبه، برای حاجتی، با پای پیاده، از کربلا به مسجد سهله مشرف می شود. در یکی از شب ها، در مسیر مسجد سهله، به محضر مولا شرف یاب می شود. در بامداد همان روز، حاجت اش نیز روا گشته است.^{۶۵}

۲۵. عالم دل سوخته ای، چهل شب چهارشنبه، به قصد دیدار یار، به مسجد سهله مشرف می شود، ولی به مقصود نمی رسد. سرانجام، او را به مغازه ی پیرمرد قفل سازی در بازار آهنگران رهنمون می شوند. رخت سفر بسته به آن شهر سفر می کند. مغازه ی پیرمرد را پیدا می کند. رفتار صادقانه و منصفانه ای از او مشاهده می کند. از دولب جان جانان، این جمله را استماع می کند که فرمود: «این گونه باشید، ما به سراغ شما می آییم.»^{۶۶}

۲۶. از مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد علی اردوبادی (متوفای ۱۵ صفر ۱۳۸۰ هـ) نقل شده که یک تاجر تبریزی به نام حاج محمد جعفر اصفهانی، دچار تنگ دستی می شود. به عتبات



انظر

۳۴۵

می رود و در نجف اشرف رحل اقامت می افکند. چهل شب چهارشنبه، به عشق دیدار مولا به مسجد سهله می رود، پس از چهارشنبه ی چهلم، به سوی سامرا حرکت می کند. دچار گرسنگی می شود. در مسیر سامرا، به محضر مقدس مولا شرف یاب می شود. در وسط بیابان، نان گرم و تازه از دست مولا تناول می کند، آن گاه پیامی دریافت می کند که در سامرا به خدمت میرزای شیرازی برساند و مأمور می شود که به این تعبیر بگوید: «کسی که در شب نیمه ی شعبان، به تو انگشتری داد، این پیام را به شما ابلاغ فرمود.»

پس از ابلاغ پیام، به شدت مورد عنایت مرحوم میرزا قرار می گیرد.^{۶۷}

۲۷. مرحوم آیه الله حاج سید محمد علی موحد ابطحی (متوفای ۱۳ رجب ۱۴۲۳ هـ) بدون واسطه، از مرحوم آیه الله حاج سید ابوالقاسم خویی، قدس سره، نقل کردند که به مدت چهل شب چهارشنبه، از نجف اشرف به مسجد سهله مشرف شده است. در شب چهلم، مورد عنایت قرار گرفته است.

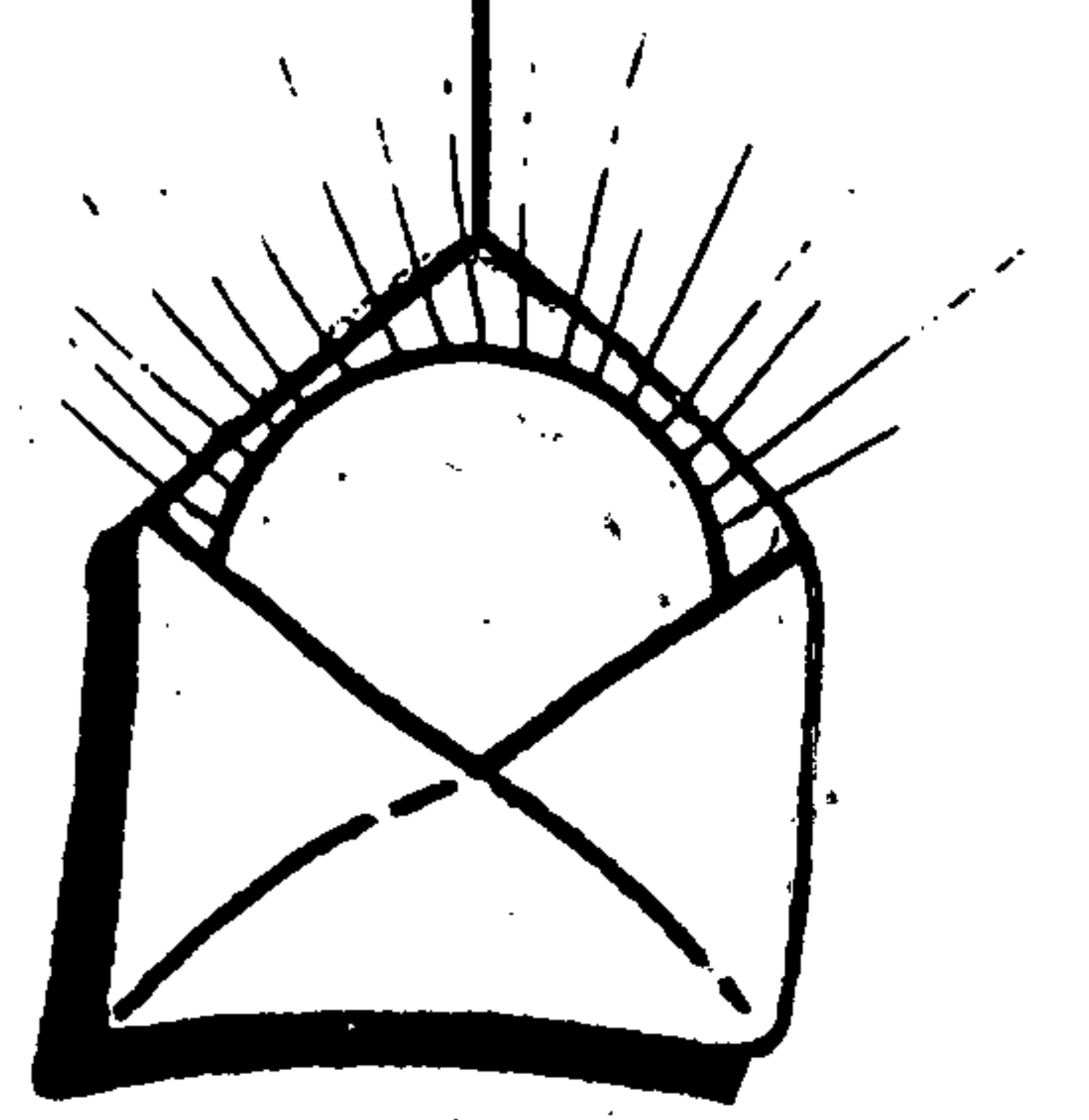
۲۸. آیه الله حاج شیخ محمد غروی، در ایام اقامت اش در نجف اشرف، در مسجد سهله، در مقام حضرت الیاس، به مدت دوازده روز، مشغول تهجد و تضرع و استغاثه می شود. شبی، مورد عنایت قرار می گیرد. در اطاق در بسته، احساس می کند که آفتاب بالای سرش قرار گرفته است! به شدت عرق می کند. قطرات اشک اش با عرق سر و صورت، آمیخته، به سوی سینه اش سرازیر می شود. مدتی در این حال بوده تا به تدریج به حال طبیعی بر می گردد.

۲۹. در همان ایام، مکاشفه ای در مسجد سهله برای ایشان رخ می دهد. شخصی، در کسوت قندهاری برای او مجسم می شود. به سویش می آید. با ایشان معانقه می کند. در آن حال منی بیند که روی سینه ی آن شخص با خط بسیار زیبایی از نور نوشته شده: «مأمور صاحب الزمان».^{۶۸}

۳۰. حجة الاسلام شریفی، مقیم کویته ی پاکستان را در محفلی دیدم. از مسجد سهله سخن رفت. فرمودند، در ایام اقامت ام در نجف اشرف، به مسجد سهله مشرف می شدم. در آن جا، سیدی را از اهل بحرین دیدم که به محضر مولا شرف یاب شده بود. از داستان اش جو یا شدم. فرمود:

یک سال تمام، در بحرین، به قصد دیدار مولا، هر شب، دعای توسل خواندم. سپس به زیارت عتبات عالیات مشرف شدم. به هنگام ورود به مسجد سهله، در قسمت شمالی آن، به آرزوی خود رسیدم.

۳۱. یکی از مراجع بزرگواری که در تاریخ دوم شوال ۱۴۲۲ هـ وفات کرد، چهل شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شد. در شب چهلم، به دیدار حجت خدا نایل شد و از زبان



انظار

۳۴۶

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

دُرِّبارش این فرمان را استماع کرد که فرمود: «اكتب؛ بنویس.»

متوجه می‌شود که الان، وظیفه‌اش، نوشتن است. درس و بحث را تعطیل می‌کند، به تألیف و تحقیق روی می‌آورد و آثار ارزشمند فراوانی را از خود به یادگار می‌نهد.^{۶۹}

۳۲. آیه‌الله حاج سید محمد مفتی الشیعه فرمود، در ایام اقامت مادر نجف اشرف، یکی از وعظ تهران به نام حاج سید عبدالله کروی، با پسرش سید احمد، به عتبات مشرف شدند. چون با پسر عموی ما، آقای مرتضوی همسفر بود، در نجف، به منزل ما وارد شدند. تصادفاً، در آن جا به شدت مریض شدند. شب چهارشنبه‌ای، در معیت ایشان، به مسجد سهله رفتیم. اظهار کردند که محل خلوتی می‌خواهند. به مقام امام زین العابدین (علیه السلام) رهنمون شدند. مدتی در آن جا به تضرع و استغاثه پرداختند. مورد عنایت قرار گرفتند و کاملاً خوب شدند. پس از مراجعت به ایران، به من نامه نوشتند که ما، در آن شب، الحمدلله، به حاجت خود رسیدیم.

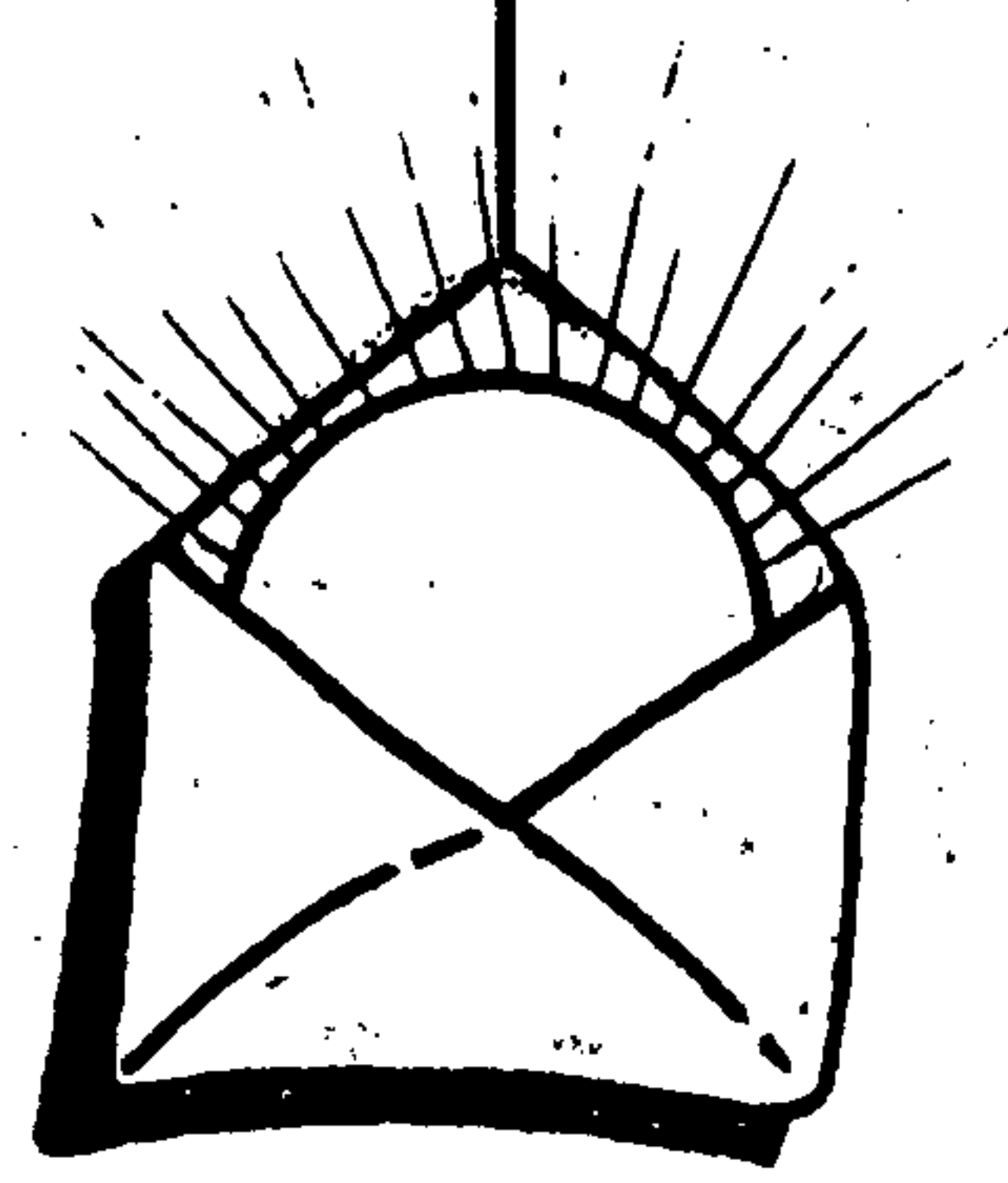
۳۳. ایشان، اضافه کردند که ما، در ایام اقامت خود در نجف اشرف، هر وقت با مشکلی مواجه می‌شدیم، به مسجد سهله پناه می‌بردیم و هرگز دست خالی بر نمی‌گشتیم.

۳۴. آیه‌الله حاج شیخ رضا توحیدی، از فقهای برجسته و علمای شایسته‌ی مقیم تبریز^{۷۰} فرمودند، در مدرسه‌ی ما، شخص فاضلی به نام شیخ محمد یا شیخ محمدرضا بود. او، اهل خوراسگان بود. همواره، مشغول بود و تا از مطالعه فارغ می‌شد، به نماز می‌پرداخت. او، هر شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف می‌شد. هنگامی که بر می‌گشت، حال بسیار خوشی داشت. روزی از او پرسیدم: «چه شده؟». گفت: «یدرک ولا یوصف.»

۳۵. ایشان، از یکی از سادات معروف تبریز نام بردند که به هنگام تشرّف به عتبات، به من گفت: «مرا همراه خود به مسجد سهله ببر و مقداری از فضایل و اعمال آن را برای ام بازگو کن.»

در معیت ایشان، به مسجد سهله رفتیم. من، به جهت درس و بحث، ناگزیر بودم به نجف برگردم. او، شب را در مسجد بیتوته کرد. وقتی به نجف آمد. مشخص بود که مورد عنایت واقع شده است. استقرار نداشت. می‌خواست پرواز کند. به پشت بام می‌رفت و با مولایش راز دل می‌گفت.

۳۶. آیه‌الله غروی، از مرحوم حاج شیخ محمدجواد سهلاوی که در مجاورت مسجد سهله اقامت داشت، نقل کردند که گفت:



انظر

۳۴۷

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

روزی، چیزی برای خوردن نداشتیم. به حضرت عرض کردم که «من، هیچ ولی برای بچه‌ها چه کنم؟»

به دل‌ام گذشت که به مقام ابراهیم (علیه‌السلام) بروم. چون به آن جا رسیدم، دیدم ظرف بزرگی پر از

غذا آن جا است و هنوز بخار از آن متصاعد است. متوجه شدم که از عنایت مولا است.

آیه‌الله غروی فرمود، در ایام اقامت دوازده روزه‌ام در مسجد سهله، روزی، مرحوم

سهلاوی، در مقام امام زین العابدین (علیه‌السلام) به من گفت:

یک وقت، این جاراحفر کردند، به تخته سنگ سبزرنگ بسیار بزرگی رسیدند. روی آن سنگ، تصویرهایی

نقش بسته بود. جنازه‌هایی مشاهده شد که قامتی بسیار رساداشتند و مشخص بود که به تاریخ قبل از اسلام

مربوط بودند.^{۷۱}

۳۷. شیخ محمد کوفی شوشتری، مقیم شریعه‌ی کوفه، از خوش‌بخت‌ترین انسان‌های

عصر در رابطه با حضرت بقیة‌الله، ارواحنا فداه، بود. او، مکرر، به محضر جان‌جانان شرف‌یاب

شد. تشرفات‌اش مورد قبول بزرگان نجف اشرف بود.

یکی از تشرفات‌اش به این صورت بود که روزی، بعد از نماز، مشغول تسبیح بوده. صدایی

می‌شنود که

«ای شیخ محمد! اگر می‌خواهی حضرت حجت را ببینی، به سوی مسجد سهله بشتاب.»^{۷۲}

به سرعت، به سوی مسجد سهله حرکت می‌کند. در مسجد را بسته می‌بیند و مولا را مشاهده می‌کند

که از طرف مسجد زید، به سوی مسجد سهله در حرکت است.

در گوشه‌ای می‌ایستد و تماشای کند که آیا مولا در می‌زند یا در مسجد خود به خود باز می‌شود.

هنگامی که مولا به در مسجد می‌رسد، در، به روی او باز می‌شود.^{۷۳}

۳۸. آیه‌الله توحیدی - که از نزدیک‌ترین خواص شیخ محمد کوفی بود - فرمود، روزی

دیدم که مرحوم کوفی، خیلی متأثر است. از سبب‌اش جو یا شدم. گفت: «یک فرد افغانی، آقارا

دید، ولی من ندیدم.»

۳۹. شیخ محمد کوفی، داستان لطیفی دارد که در مسجد کوفه برای‌اش اتفاق افتاده است.

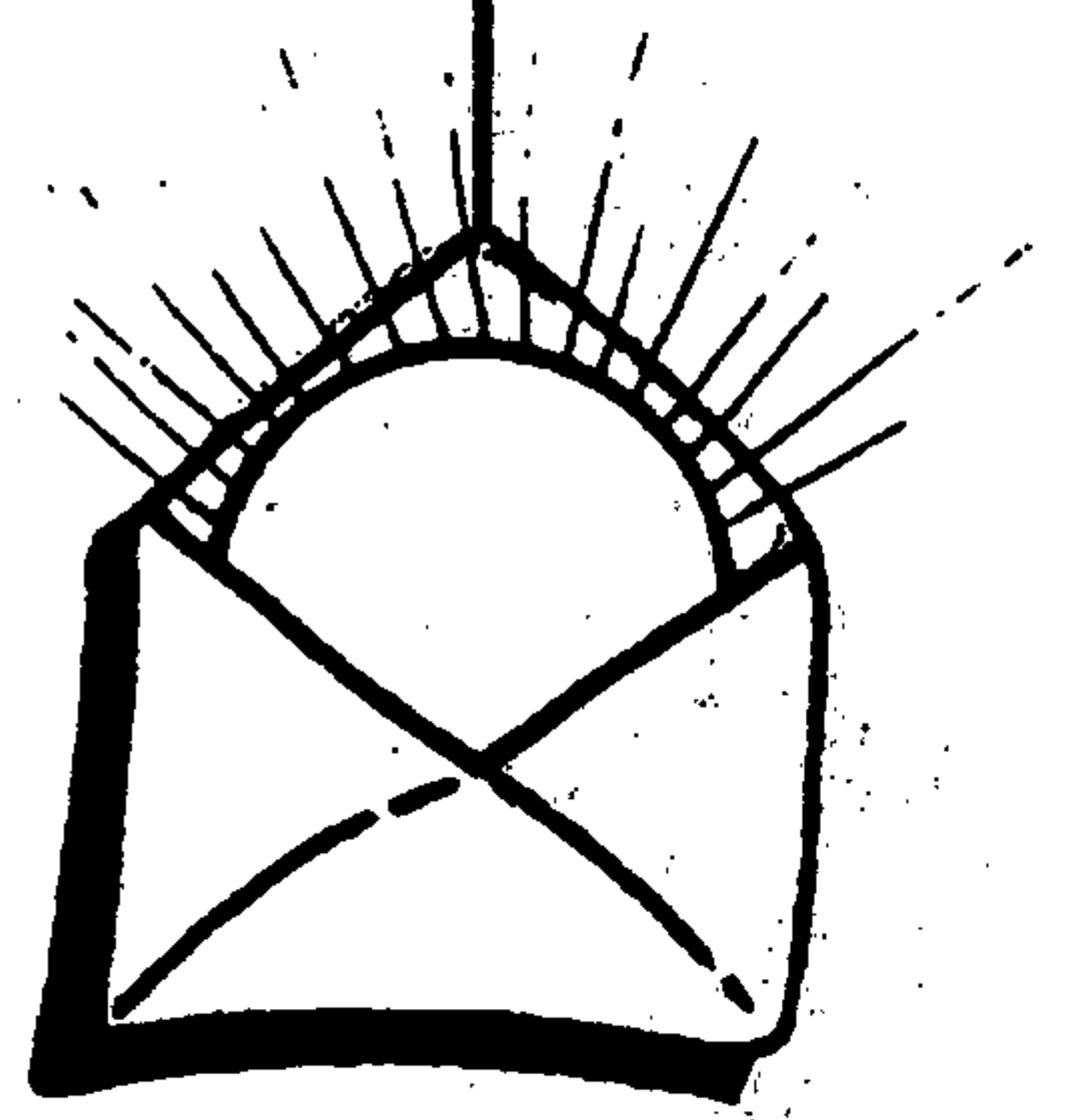
در آن داستان، یکی از خادمان حضرت، برای آن حضرت، آب می‌آورد. حضرت مقداری میل

می‌فرماید و بقیه را به ایشان تعارف می‌کند. ایشان می‌گوید: «من تشنه نیستم.» بعد از لحظاتی،

از دیدگان‌اش غایب می‌شود.^{۷۴}

هنگامی که آن خادم، آب را می‌برد، آقای کوفی مشاهده می‌کند که از انگشتان‌اش شهد

جاری است.



انظر

۳۴۸

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

آیه الله توحیدی فرمود، روزی، در خدمت مرحوم کوفی، در مسجد سهله بودیم. کوزه و کاسه‌ای از آب پر کردیم، در کنار خود گذاشتیم.

مرحوم کوفی، داستان تشرّف‌اش را برای من شرح می‌داد. چون قسمت اخیر را می‌گفت، کاسه را برداشت و به من نشان داد و گفت: «همین طور که کاسه را آن خادم می‌برد، از دست‌اش شهد جاری بود.»

آیه الله توحیدی فرمود، هنگامی که مرحوم کوفی، آن صحنه را ترسیم می‌کرد، من دیدم که از انگشتان مرحوم کوفی نیز شهد سرازیر است!

۴۰. مرحوم حاج شیخ محمد کوفی، روزی، از مسجد کوفه به سوی مسجد سهله در حرکت بود. یک مرتبه متوجه می‌شود که خورشید جهان تاب نیز در کنار او در حرکت است.^{۷۵} حضرت بقیة الله، ارواحنفا، به او امر می‌فرماید که به خدمت مرحوم آیه الله اصفهانی برود و از سوی حضرت به او، این پیغام را دهد:

أرخص نفسک، واجعل مجلسک فی الدّهلین، واقض حوائج الناس! نحن نصرک؛^{۷۶}
خودت را برای مردم ارزان کن، محل نشستن خود را در دهلیز خانه قرار بده، نیازهای مردم را برآور! ما، یاری‌ات می‌کنیم.

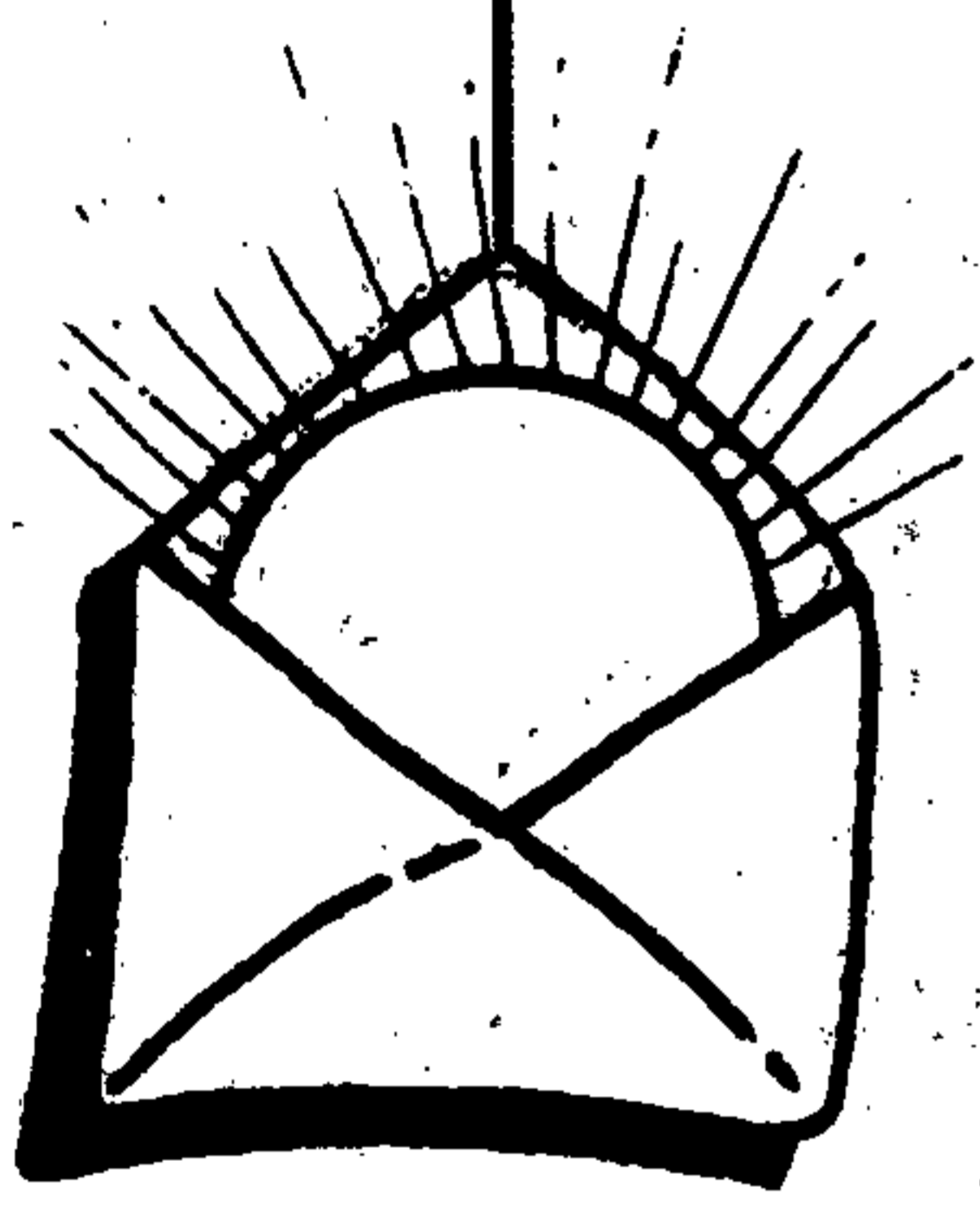
بی‌گمان، این پیغام، به صورت شفاهی بوده، ولی آیه الله اصفهانی، از مرحوم کوفی خواسته بودند که آن را بنویسد و به صورت کتبی به او تقدیم کند. پس آن چه در برخی از منابع، به عنوان «توقیع» نقل شده، سهواً القلم است.

مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری (متوفای ۲۴ جمادی الثانیه ۱۴۰۶ هـ) از یکی از مراجع بزرگ تقلید نقل می‌کند که از مرحوم آیه الله اصفهانی پرسیده بود: «آیا شما مطمئن هستید که وجود مقدّس حضرت بقیة الله، ارواحنفا، در مورد این دست و دل بازی شما در صرف سهم مقدّس امام (علیه السلام) رضایت دارند؟». مرحوم آیه الله اصفهانی، به این پیغام استناد کرده بود.^{۷۷}

روی این بیان، همه‌ی مراجع تقلید، صدور این پیام را به افتخار مرحوم آیه الله اصفهانی، تلقی به قبول کرده بودند.^{۷۸}

آیه الله توحیدی فرمودند، برای یکی دیگر از مراجع بزرگوار پیغام آورده بود که:
«به منبرت بپرداز! عنایات ما به تو می‌رسد.»

و به یکی از فقهای برجسته، چنین پیغام آورده بود: «نماز حضرت ولی عصر (علیه السلام)



انظر

۳۴۹

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

را ادامه بده!»^{۷۹}

در مورد یکی از علما که نام اش را فاش نکرده بود، از محضر حضرت شنیده بود که: «فلانی، بسیار خوب است، جز این که گاهی به ذهن اش می رسد که من نیز کسی هستم. [یعنی حالت عجب بر او عارض می شود]».

آیه الله توحیدی فرمود، مرحوم کوفی، به هنگام تشرّف به مسجد سهله، به اذن دخول و دیگر دعاها را ایچ خیلی پا بند نبود، بلکه در هر مقامی هر دعایی بر زبان اش جاری می شد، همان را می خواند و می گفت: «همه ی این ها درست است، ولی خلوص چیز دیگری است».

نگارنده گوید، روزی از محضر مرحوم آیه الله آقای میرزا کاظم تبریزی (متوفای ۱۸ رجب ۱۴۱۶ هـ) در مورد مرحوم کوفی پرسیدم، فرمود: «ما، روزی، از نجف اشرف عازم مسجد سهله بودیم. ماشین ایستاده بود. منتظر بودیم که پر شود. مرحوم کوفی را با یکی دیگر از علما دیدم که با پای پیاده عازم مسجد سهله بود. یکی از رفقا، به ایشان پیشنهاد کرد که سوار ماشین شود. فرمود: «ما قدم زنان می رویم».

وقتی به مسجد سهله رسیدیم، دیدیم آنان پیش از ما رسیده اند و قسمت اعظم اعمال مسجد را نیز انجام داده اند!

مرحوم آیه الله تبریزی، با آن سخت باوری، مطمئن بود که ایشان باطی الارض رفته بودند.^{۸۰}

چند نکته درباره ی مسجد سهله

۱. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (علیه السلام) وارد کوفه شود، فرمان می دهد که چهار مسجد آن را خراب کنند تا به پایه های نخستین برسد».^{۸۱}

منظور از مساجد چهار گانه، مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد زید و مسجد صعصعه است.^{۸۲}

۲. امام صادق (علیه السلام) در مورد پایه های اولیّه ی مسجد سهله می فرماید:

حدّ مسجد السّهلة الروحا^{۸۳}؛

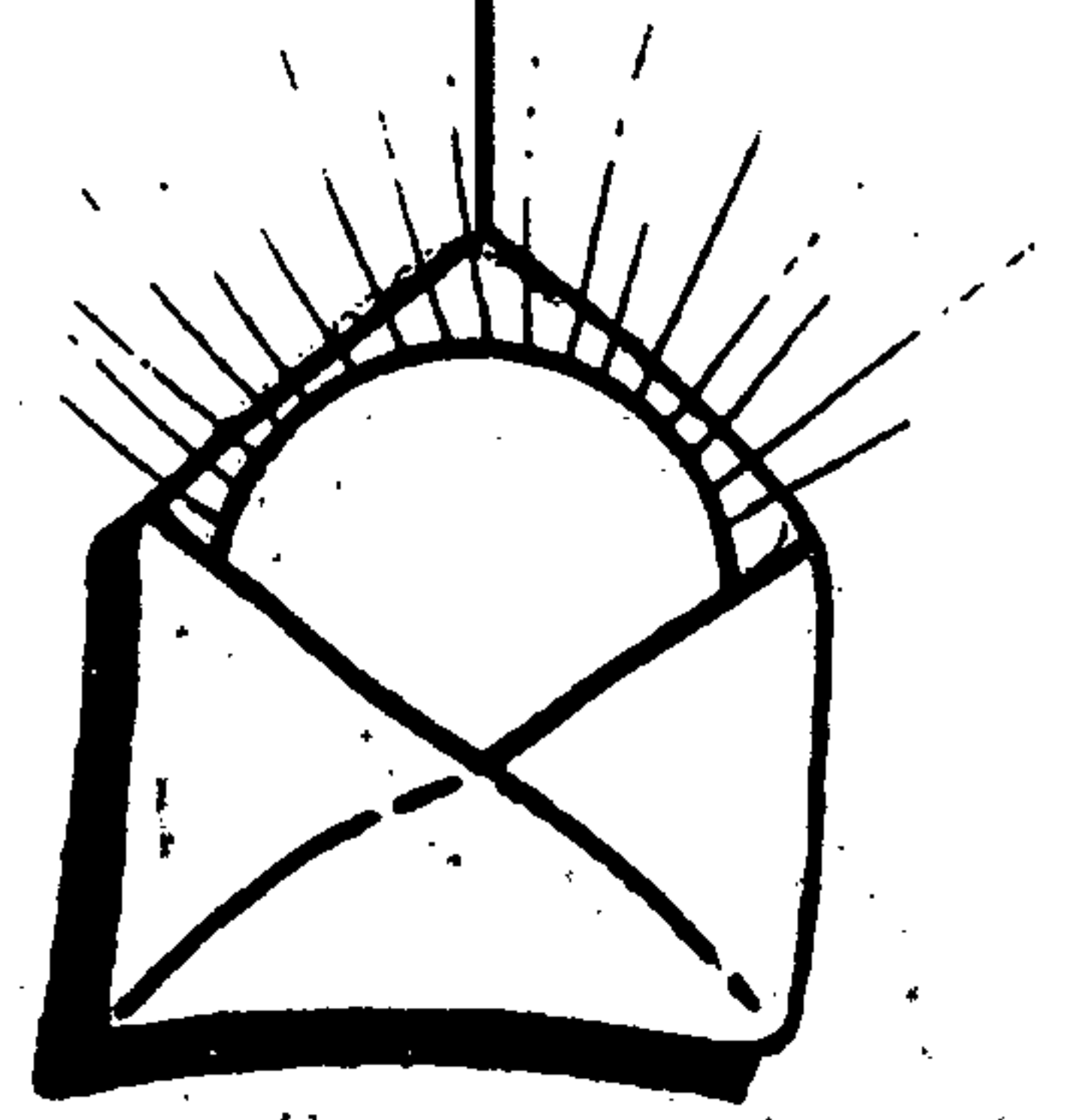
حدّ مسجد سهله، «روحا» است.

مرحوم کلینی، این حدیث را به این تعبیر نقل کرده:

«روی أن مسجد السّهلة حدّه الى الروحا^{۸۴}؛

روایت شده که حدّ مسجد سهله تا روحا است».

علامه ی مجلسی فرموده: «اکنون «روحا» جای شناخته شده ای نیست، ولی مفهوم حدیث



انظار

۳۵۰

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

آن است که حدود مسجد سهله بیش از محدوده‌ی فعلی است.^{۸۵}

یاقوت می‌نویسد: «رَوْحًا، یکی از روستاهای رَحْبَه است.»^{۸۶}

و در جای دیگر می‌نویسد: «رَحْبَه، یکی از محلات کوفه است.»^{۸۷}

روی این بیان، مسجد سهله، در عصر ظهور، بسیار وسیع‌تر از وضع فعلی آن خواهد بود.

۳. اعمال مسجد سهله، بسیار فراوان است. مقداری از آن‌ها از امام صادق (علیه‌السلام) و

مقداری دیگر از حضرت خضر (علیه‌السلام) روایت شده است.^{۸۸}

۴. مهم‌ترین عمل مسجد سهله، دو رکعت نماز تحیت مسجد است که امر شده میان نماز

مغرب و عشا خوانده شود.^{۸۹} شیخ طوسی، به استحباب آن فتوا داده است.^{۹۰}

۵. در مورد شب چهارشنبه، سندی از معصوم (علیه‌السلام) به دست ما نرسیده است^{۹۱}، جز

این که سید بن طاووس فرموده:

اگر خواستی به مسجد سهله بروی، آن را در میان مغرب و عشا قرار بده. در شب چهارشنبه و آن افضل

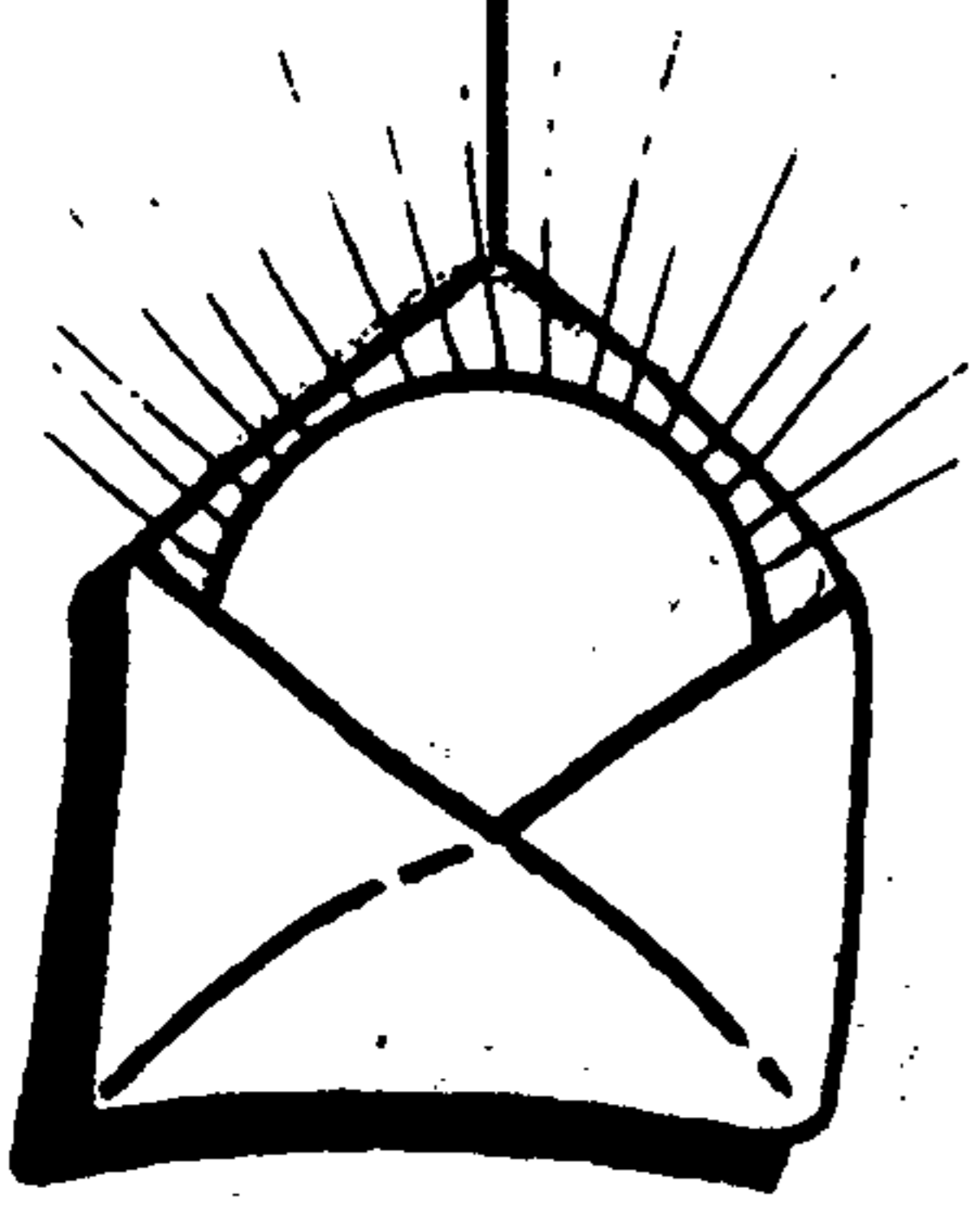
از دیگر وقت‌ها است.^{۹۲}

سید بن طاووس، برای فرمایش خود، سندی نقل نکرده، ولی هرگز احتمال این معنائی رود که بدون

سند آن را گفته باشد. لذا احتمال این معنا هست که سندی در دست او بوده که به دست ما نرسیده است.^{۹۳}

۶. محدث نوری فرموده: «اما مستند چهل شب، همان عمومات است.»^{۹۴}

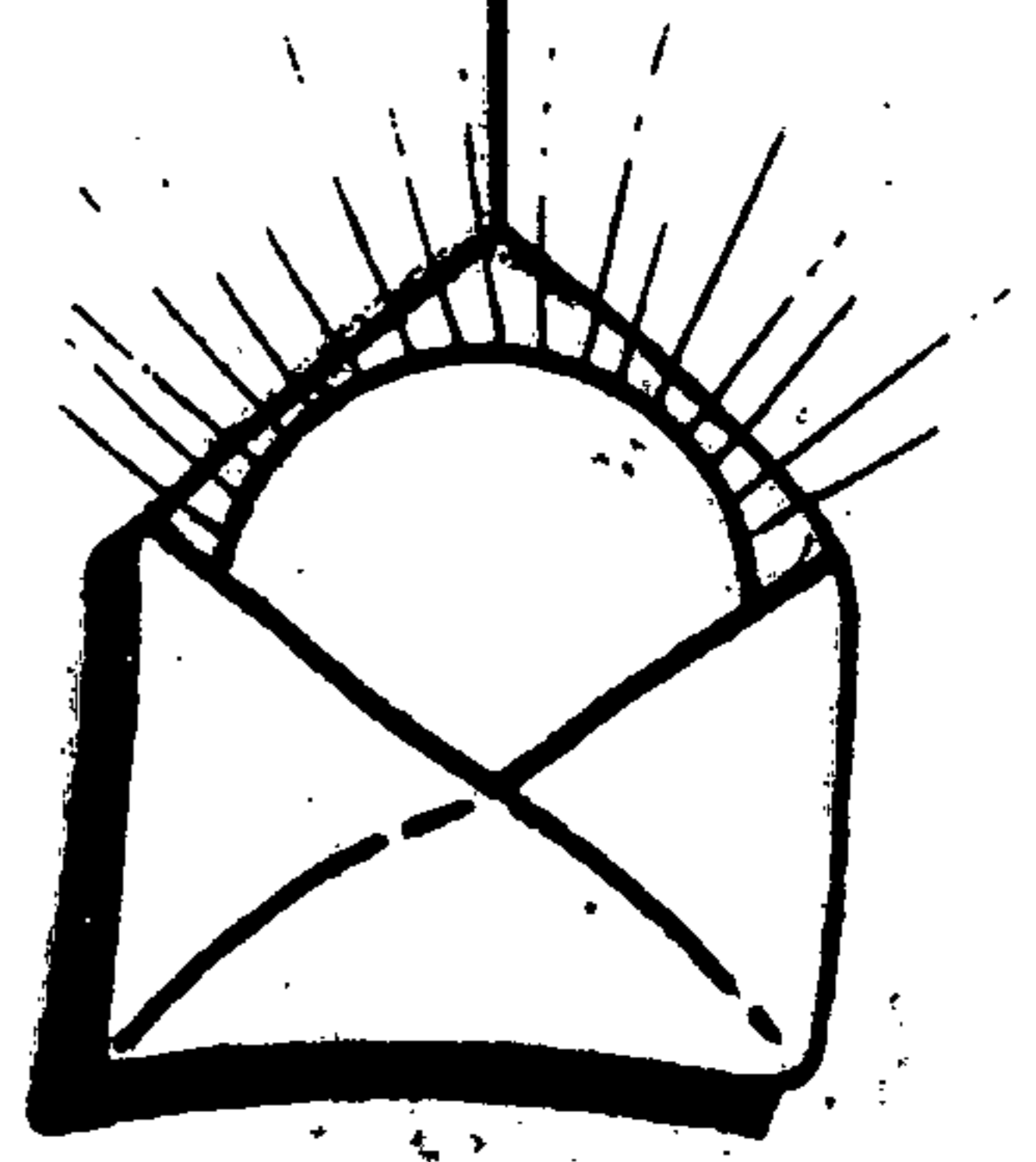
منظور از عمومات، روایاتی هستند که حکایت از قداست عدد چهل می‌کنند.^{۹۵}



انظار

۳۵۱

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱



۱. کافی، ج ۳، ص ۴۹۵؛ تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۲؛ اثبات الهدایة، ج ۳، ص ۴۵۳؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۹؛ مرآت العقول، ج ۱۵، ص ۴۹۱؛ حلیة الأبرار، ج ۵، ص ۳۳۹؛ گزیده ی کفایة المهتدی، ص ۲۷۹.
۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۰؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۴۷۱؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۵۳؛ المستجاد، ص ۲۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱.
۳. مزار شیخ مفید، ص ۲۵؛ المزار الکبیر، ص ۱۳۴؛ نیز ر.ک: الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۱.
۴. محجّل، به اسبی گفته می شود که قسمتی از پاهای آن، سفید و درخشان باشد. [لسان العرب، ج ۳، ص ۶۵].
۵. شمراخ، عبارت از سپیدی باریک هلال گونه ای است که از پیشانی اسب به سوی لب هایش کشیده شود. [فقه اللغة، ثعالبی، ص ۶۷].
۶. دلائل الامامة، ص ۴۵۸؛ نیز ر.ک: العدد القویة، ص ۷۵؛ منتخب الأثر، ج ۳، ص ۲۵۰.
۷. المزار الکبیر، ص ۱۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۷؛ نیز ر.ک: قصص الأنبیاء، راوندی، ص ۸۰.
۸. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱.
۹. ذکوات، جمع ذکات، به معنای سنگ ریزه های مشتعل و درخشان است. [مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۵۹]. به تپه های نجف اشرف، به جهت سنگریزه های شفاف و درخشان اش که «دُر نجف» نامیده می شود، «ذکوات بیض» می گویند. امام صادق (علیه السلام) به هنگام بیان انگشتی هایی که دوست دارد همه ی شیعیان داشته باشند، از دُر نجف چنین یاد می کند: «وما یظهره الله بالذکوات البیض بالغرین»؛ و آن چه خداوند در تپه های شفاف و درخشان نجف پدید می آورد. [تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۷].
۱۰. در حدیث شانزدهم بیان خواهد شد که منظور از مسجد سهیل، همان مسجد سهله است.
۱۱. منظور از قائمان بعد از حضرت بقیة الله (علیه السلام) جانشینان آن حضرت اند؛ زیرا، به طوری که سید مرتضی علم الهدی به تفصیل بیان فرموده، با ارتحال حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، تکلیف برداشته نمی شود و چون باید هرگز روی زمین خالی از حجّت نباشد، باید پیشوایانی به عنوان جانشینان آن حضرت در روی زمین باشند [رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۱۱۴].

- شاید منظور از قائمان بعد از او، امامان معصوم (علیهم السلام) باشند که بر اساس عقیده ی قطعی ما، رجعت خواهند کرد. [بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۰].
- شیخ حرّ عاملی، در این باره، شش وجه فرموده است. [الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، ص ۳۶۶].
- از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که بعد از قائم ما، یازده پیشوا خواهد بود [غیبت شیخ طوسی، ص ۴۷۸].
- از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده که در شب ارتحال اش، نامه ای به امیر مؤمنان (علیه السلام) تحویل دادند و وصیّت فرمودند که آن را امامان (علیهم السلام) دست به دست، به حضرت مهدی (علیه السلام) برسانند، او نیز به هنگام وفات به فرزندش مرحمت کند [غیبت طوسی، ص ۱۵۱؛ نیز ر.ک: جزیره ی خضراء، ص ۳۹-۴۴؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۵۸؛ مصباح المتهجد، ص ۴۰۶].
۱۲. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۱؛ کامل الزیارات، ص ۲۶؛ المزار الکبیر، ص ۱۱۳؛ مختصر البصائر، ص ۱۷۸؛ الرجعة، استرآبادی، ص ۹۹؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۵۵؛ حلیة الأبرار، ج ۵، ص ۳۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۴۸؛ وج ۱۰۰، ص ۴۴۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۶.
۱۳. کافی، ج ۴، ص ۵۷۲؛ حلیة الأبرار، ج ۵، ص ۳۴۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۰۱؛ روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۵۴.
۱۴. در مورد مقابر مسجد سهله، در کتاب اجساد جاویدان، ص ۴۲، به تفصیل سخن گفته ایم. در تشرّف سی و هفتم نیز در این رابطه سخن خواهیم گفت. از بررسی منابع تاریخی معلوم می شود که پس از اسلام نیز افرادی در این مسجد دفن شده اند، که از آن جمله است:
الف) یحیی بن عبدالله بن محمد بن عمر الأطراف بن امیر المؤمنین (علیه السلام) که به دست هارون الرشید به شهادت رسید و در مسجد سهله مدفون شد. [الفائق، ج ۳، ص ۴۳۶].
ب) علی بن ابراهیم خیاط، صاحب چندین اصل، که به سال ۲۰۷ هـ وفات کرد. ابراهیم بن محمد علوی بر پیکرش نماز خواند. [رجال شیخ طوسی، ص ۴۸۰؛ قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۵۹].
ج) احمد بن محمد طایی، که پنج روز مانده از جمادی الاخره ۲۸۱ هـ در کوفه درگذشت. [تاریخ طبری، ج ۸، ص ۱۶۸].
۱۵. الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۷۱؛ الثاقب فی المناقب، ص ۵۹۷؛ منتخب الأنوار المضية، ص ۱۶۱؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۱۲.

مدینه المعاجز، ج ۸، ص ۱۵۱؛ گزیده‌ی کفایة المهدی، ص ۲۳۰.

۱۶. امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۶۸؛ نیز ر.ک: الغارات، ج ۲، ص ۴۸۴؛ المزار الکبیر، ص ۱۱۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۶.

۱۷. کافی، ج ۳، ص ۴۸۹؛ تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۰؛ المزار الکبیر، ص ۱۱۹؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۹؛ نیز ر.ک: خصال، ج ۱، ص ۳۰۱؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۲۸.

۱۸. این واژه، در بحار الأنوار و متن چاپی قرب الاسناد «شری» ثبت شده است. در نسخه‌ی خطی آن [نسخه‌ی کتابخانه‌ی آیه الله مرعشی، به شماره‌ی ۳۹۱۸] «بری»، در وسائل و حاشیه‌ی آن نسخه‌ی خطی «شری» ثبت است.

۱۹. قرب الاسناد، ص ۱۵۹؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۷.

۲۰. مستدرکات علم الرجال، ج ۶، ص ۳۳۴.

۲۱. المزار الکبیر، ص ۱۳۳؛ نیز ر.ک: کامل الزیارات، ص ۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۵.

۲۲. همان.

۲۳. لفظ «انه» فقط در مزار شیخ مفید هست.

۲۴. مزار شیخ مفید، ص ۲۶؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۸؛ المزار الکبیر، ص ۱۳۴؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۰.

۲۵. مزار شیخ مفید، ص ۲۶؛ المزار الکبیر، ص ۱۳۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶ [در مزار کبیر به جای «سنتین»، «سنین» چاپ شده که غلط چاپی است].

۲۶. قصص الأنبیاء، قطب راوندی، ص ۸۰؛ قصص الأنبیاء، جزائری، ص ۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۳.

۲۷. کافی، ج ۳، ص ۴۹۵؛ مرآت العقول، ج ۱۵، ص ۴۹۱؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۴۳۹.

۲۸. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۲.

۲۹. جمله‌ی «قال: لا» در اکثر منابع افتاده است، ولی در کامل و مستدرک موجود است.

۳۰. علامه‌ی مجلسی فرموده: «شاید منظور از جمله‌ی «معراج آن جا است»، این باشد که رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) هنگامی که در شب معراج نزول کرده، در مسجد کوفه نماز گزارده، به مسجد سهله تشریف فرما شده، از آن جا به آسمان‌ها عروج فرموده است، و شاید منظور این باشد که معراج معنوی برای مؤمنان، در آن جا

حاصل می‌شود». [بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۷]

۳۱. و در مورد «فاروق اعظم» احتمال داده اند که منظور، وجود مقدس حضرت ولی عصر (علیه السلام) باشد. معنای حدیث، چنین خواهد بود که در نقطه‌ای از مسجد سهله، توسط حجت خدا، بین حق و باطل، فرق گذاشته می‌شود». او، برای این سخن استشهاد فرموده به حدیث پنجم که در فرازی از آن، امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «عدالت خدا، در آن جا ظاهر می‌شود و قائم به عدل الهی در آن جا خواهد بود». [همان]

۳۲. کامل الزیارات، ص ۲۵؛ مزار شیخ مفید، ص ۲۴؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۷؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۵.

۳۳. در نقل قطب راوندی، به این تعبیر آمده: «اگر عمومیم به هنگام خروج به مسجد سهله می‌رفت و در آن نماز می‌گزارد و به خدا پناه می‌برد، خداوند، بیست سال به او پناه می‌داد». [قصص الأنبیاء، ص ۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۸۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۴]. در نقل ابن مشهدی چنین آمده: «به خدا سوگند! اگر یک سال از خدا پناه می‌خواست، خداوند، سال‌ها به او پناه می‌داد». [المزار الکبیر، ص ۱۳۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۷].

۳۴. کافی، ج ۳، ص ۴۹۴؛ مرآت العقول، ج ۱۵، ص ۴۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۵؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۶؛ نیز ر.ک: کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۱.

۳۵. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۰۳؛ قصص الأنبیاء، جزائری، ص ۲۹۹.

۳۶. المزار الکبیر، ص ۱۴۱؛ مزار شهید، ص ۲۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۴.

۳۷. المزار الکبیر، ص ۱۳۶؛ مزار شهید، ص ۲۶۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۹.

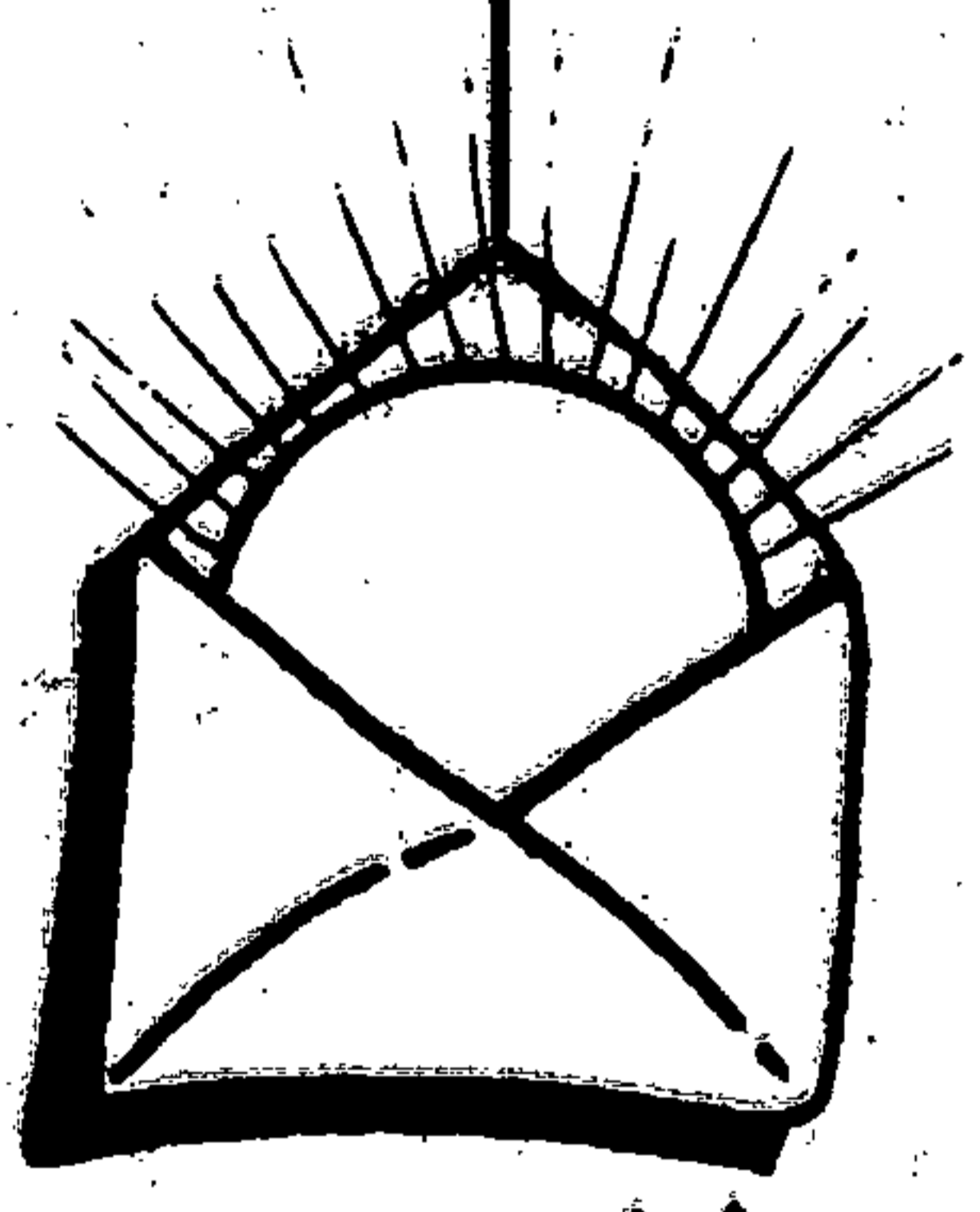
۳۸. اقبال الأعمال، ص ۶۴۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۷؛ کلمة الامام المهدی، ص ۳۰۱؛ صحیفة المهدی، ص ۵۰.

۳۹. نجم ثاقب، ص ۶۱۲؛ جنة المأوی، ص ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۴؛ فوائد رضویة، ص ۶۷۸؛ المختار من کلمات الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۵۷.

۴۰. دارالسلام، ج ۴، ص ۴۲۶؛ نجم ثاقب، ص ۶۱۸؛ جنة المأوی، ص ۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۴۰.

۴۱. برخی از گرامات‌اش را محدث نوری در دارالسلام، ج ۲، ص ۱۹۶، آورده است.

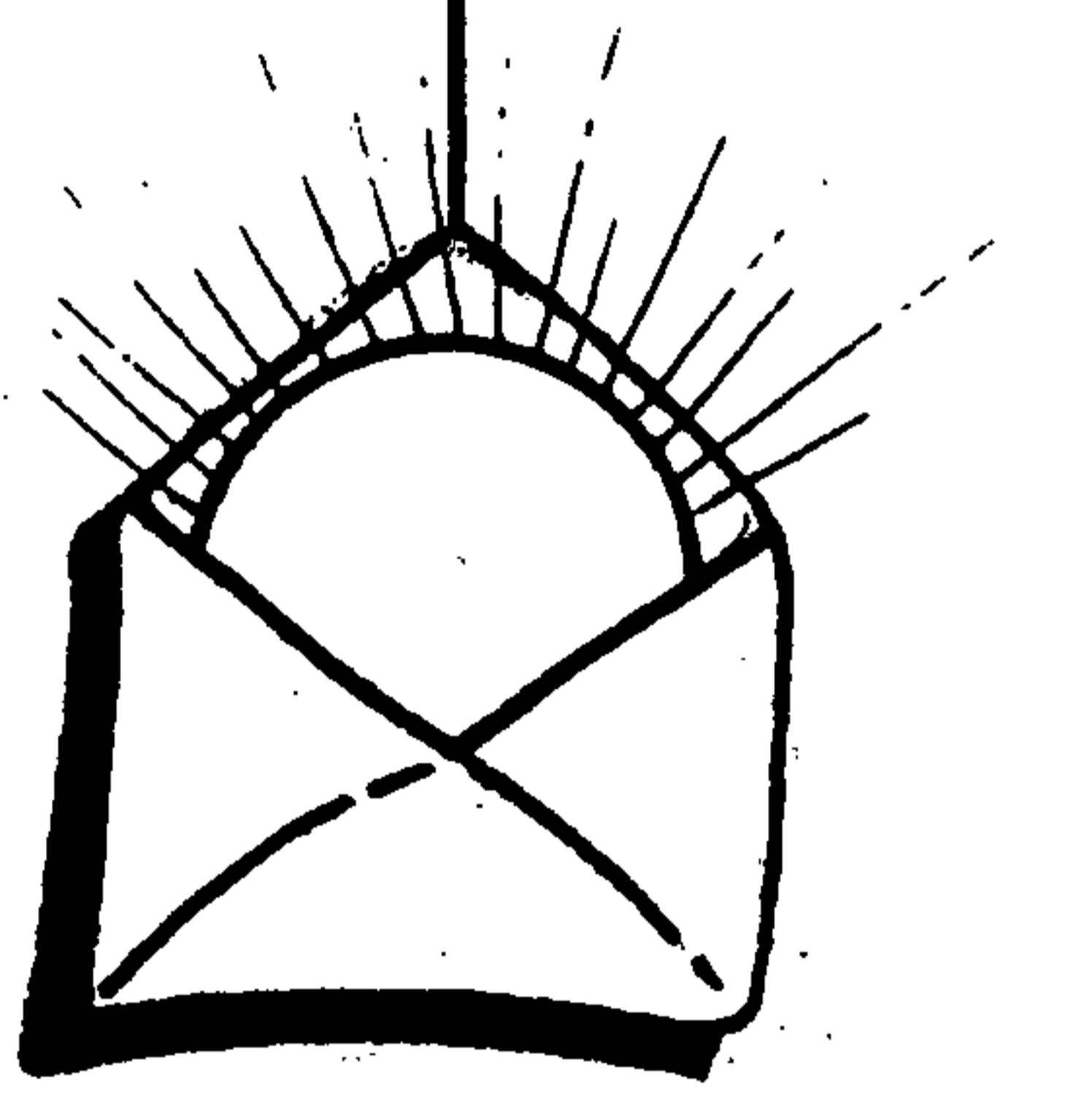
۴۲. جنة المأوی، ص ۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۴۵؛ دارالسلام، ج ۴، ص ۴۲۱؛ المصطفی والعترة، ج ۱۷، ص ۲۱۸.



انظر

۳۵۳

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱



۴۳. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۰۳.
۴۴. همان، ج ۱، ص ۱۱۳.
۴۵. دارالسلام، عراقی، ص ۳۰۴.
۴۶. همان، ص ۳۳۱.
۴۷. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۰۴.
۴۸. همان، ج ۱، ص ۱۰۷.
۴۹. دارالسلام، عراقی، ص ۳۱۳.
۵۰. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۹۸.
۵۱. همان، ج ۱، ص ۱۲۲.
۵۲. دارالسلام، ج ۴، ص ۴۲۱.
۵۳. نجم ثاقب، ص ۴۹۹؛ جنة المأوی، ص ۱۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۹.
۵۴. العبقری الحسان، ج ۲، ص ۲۰۰.
۵۵. جنة المأوی، ص ۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۴۵؛ دارالسلام، ج ۴، ص ۴۲۱؛ المصطفی والعترة، ج ۱۷، ص ۲۲۲؛ المختار من کلمات الامام المهدي، ج ۱، ص ۴۱۴.
۵۶. ابواب الهدی، مقدمه، ص ۴۶.
۵۷. آثار شگفت این تشرف و دریافت این پیام و انقلاب روحی و تغییر خط مشی آن عالم فرزانه را در کتاب از زش مند مکتب تفکیک از استاد محمدرضا حکیمی ملاحظه فرمایید.
۵۸. نجم ثاقب، ص ۶۲۴؛ دارالسلام، ج ۴، ص ۴۲۱؛ جنة المأوی، ص ۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۴۳.
۵۹. منتقم حقیقی، ص ۴۲۸.
۶۰. شهاب شریعت، ص ۲۹۲؛ قیسات، ص ۱۱۰.
۶۱. مهرتابان، ص ۱۴۷؛ دیدار یار، ج ۳، ص ۳۴۲؛ شیفتگان حضرت مهدی، ج ۱، ص ۲۲۰.
۶۲. پرواز روح، ص ۶۲؛ ملاقات با امام زمان، ج ۱، ص ۱۵۰.
۶۳. گمله، نام محلی در نواحی لنگرود، در استان گیلان است.
۶۴. سیمای آفتاب، ص ۳۲۷؛ ره توشه‌ی مهدی یاوران، ص ۱۶۰.
۶۵. شیفتگان حضرت مهدی، ج ۱، ص ۲۶۹.
۶۶. سرمایه‌ی سخن، ج ۱، ص ۶۱۱؛ ره توشه‌ی مهدی یاوران، ص ۱۶۴.
۶۷. شیفتگان حضرت مهدی، ج ۲، ص ۱۷۷؛ توجهات ولی عصر به علما و مراجع، ص ۵۱.
۶۸. آیه الله غروی، از حسنات دهر و شخصیت‌های برجسته‌ی عصر است. او، در نقل مطالب، بسیار احتیاط می‌کند. نظر به این که این دو مورد، متضمن رؤیت نبود، در اثر تقاضای نگارنده نقل فرمودند.
۶۹. در امتداد فقاقت، ص ۱۱۶.
۷۰. شرح حال ایشان، به طور فشرده، در کتاب نامداران تاریخ، ج ۲، ص ۳۰۷، آمده است.
۷۱. ما، شرح این ماجرا را در اجساد جاویدان، ص ۴۲، به نقل از یکی از فضلاء نجف اشرف آورده‌ایم.
۷۲. آیه الله توحیدی فرمودند: «متن ندا به این تعبیر بود: «اذا ترید تشوف الحجّة، تعال بالسّهلة.»
۷۳. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۲۶.
۷۴. همان، ج ۱، ص ۱۲۰.
۷۵. شیفتگان حضرت مهدی، ج ۲، ص ۱۷۰.
۷۶. کلمة الامام المهدي، ج ۱، ص ۵۶۴؛ آثار الحجّة، ج ۱، ص ۱۳۴؛ گنجینه‌ی دانشمندان، ج ۱، ص ۲۲۲؛ عنایات حضرت مهدی موعود به علما و مراجع تقلید، ص ۱۱۰.
۷۷. سر دلبران، ص ۲۷۳.
۷۸. با توجه به این که این پیغام، چند روزی پس از شهادت سید محمد حسن، فرزند دل بند آیه الله اصفهانی، صادر شده، تاریخ صدور آن ۱۳۴۹ هـ خواهد بود.
۷۹. کیفیت نماز امام عصر (علیه السلام) در مفاتیح آمده است؛ نیز از ک: فصلنامه‌ی انتظار، ش ۵، ص ۳۳۷.
۸۰. سینای معرفت، ص ۱۲۹.
۸۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.
۸۲. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۵۶.
۸۳. کامل الزیارات، ص ۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۶.
۸۴. کافی، ج ۳، ص ۴۹۵؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۷.
۸۵. مرآت العقول، ج ۱۵، ص ۴۹۱.
۸۶. معجم البلدان، ج ۳، ص ۷۶.
۸۷. همان، ص ۳۳.
۸۸. المزار الکبیر، ص ۱۳۸-۱۴۰.
۸۹. روایت دوازدهم.
۹۰. مصباح المتهدجد، ص ۷۴۷.
۹۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۲۵.
۹۲. مصباح الزائر، ص ۱۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۵.
۹۳. در این جامی توانیم از روایت مسجد مقدس جمکران بهره بجوییم، طالبین به فصلنامه‌ی انتظار، ش ۵، ص ۳۵۳ مراجعه فرمایند.
۹۴. نجم ثاقب، ص ۸۴۵.
۹۵. چهل نمونه از این احادیث را در مقدمه‌ی کتاب «چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا» آوردیم و چهل منبع برای حدیث «من حفظ علی امتی أربعین حدیثاً...» ذکر کردیم. [ص ۵-۱۶].

اشاره:

با ظهور حضرت (علیه السلام) و اعلام آغاز انقلاب جهانی اش، ستمگران و گردن
کشان و... به مقابله با حضرت بر می خیزند. حضرت (علیه السلام) به دفاع بر می خیزد.
در این میان، عده‌ای از دو طرف کشته می شوند.
برخی، عدد کشته شدگان را بسیار زیاد می دانند و از این رهگذر می خواهند،
حضرت را یک چهره خون ریز معرفی کنند. گروهی نیز تعداد آن کشته ها را کم
می دانند. این نوشته، به نقد و بررسی سندی و دلالتی روایات مربوط به این قتل ها
می پردازد و افراط و تفریط را در این باره می زداید.

درنگی در روایات قتل های آغازین دولت مهدی (عج)

نجم الدین طبسی

تدوین: سید حسن واعظی